

واژه‌های مصوب کارگروه نقشه‌برداری

تا پایان دفتر شانزدهم - ۱۳۹۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کارگروه	تعریف	دفتر
۱	ارتفاع فشارسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← ارتفاع فشارسنجی	7
۲	ارتفاع‌یابی مثلثاتی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← تراز‌یابی مثلثاتی	7
۳	بازتابنده		[مهندسی نقشه‌برداری]	← بازتاب‌گر	2
۴	برداشت تصویرسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← برداشت تصویرسنجی	7
۵	برداشت شهرسازی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← برداشت شهرسازی	7
۶	پاره‌چین هوایی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پاره‌چین عکسی هوایی	4
۷	پس‌پراکنه رادار		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پس‌پراکنه	14
۸	پیش‌کوتاه‌نمایی رادار		[مهندسی نقشه‌برداری]	← کوتاه‌نمایی رادار	14
۹	پیمایش زاویه‌سنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۱۰	توان تفکیک سمتی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← تفکیک سمتی	14
۱۱	چوبه ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← چوبه تراز‌یابی	2
۱۲	خط مبنا		[مهندسی نقشه‌برداری]	← خط پایه	7
۱۳	رده عارضه کدبندی‌شده		[مهندسی نقشه‌برداری]	← رده عارضه کدبندی‌شده مکانی	15
۱۴	روان‌ساز جوشکاری		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پودر جوشکاری	14
۱۵	سنجش از دور		[مهندسی نقشه‌برداری]	← دور‌کاوی	2
۱۶	طول پایه عکسی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← خط مبنای عکسی	10
۱۷	عمق‌یاب		[مهندسی نقشه‌برداری]	← عمق‌یاب پژواکی	2
۱۸	موقعیت‌یاب ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← موقعیت‌یاب جهانی	4
۱۹	میله ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← میلۀ نقشه‌برداری	2
۲۰	نشانگر		[مهندسی نقشه‌برداری]	← نشانگر مکانی	15
۲۱	نقشه تصویرسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← نقشه تصویرسنجی	8
۲۲	نقشه‌سازی تصویرسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← نقشه‌سازی تصویرسنجی	8
۲۳	فرازای مطلق	absolute altitude	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرازای یک سیاره یا قمر از زمین	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۴	توجیه مطلق	absolute orientation	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاس گذاری و تراز کردن و توجیه یک یا چند مدل برجسته متناسب با نقاط واپایش زمینی	7
۲۵		accidental error → random error	[مهندسی نقشه برداری]		2
۲۶	درستی	accuracy	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری که نزدیکی برابند مشاهدات یک کمیت را به اندازه واقعی آن نشان می دهد	2
۲۷	درست	accurate	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی اندازه گیری یا کمیتی که به مقدار واقعی خود نزدیک باشد	2
۲۸	تصویر بی فام	achromatic image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که با تابیدن نور بر آن، نور بدون تجزیه به مؤلفه هایش از آن عبور می کند یا بازتاب می یابد	10
۲۹	شیء فعال	active object	[مهندسی نقشه برداری]	شیئی که توانایی عملکرد مستقل بدون نیاز به یک محرک خارجی را دارد	5
۳۰	سنجشگر فعال	active sensor	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه فعال	14
۳۱	سامانه فعال	active system	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی سامانه سنجش از دور که تابشی را به سمت هدف ارسال می کند و تابش بازتابیده یا عبوری را دریافت می کند مت. سنجشگر فعال sensor active	14
۳۲	قالب نشانی	address format	[مهندسی نقشه برداری]	ساختار و آرایش ویژه عناصر نشانی و روش همتابایی مربوط که برای یک کاربرد خاص قابل استفاده باشد	15
۳۳	کدبندی مکانی نشانی	address geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی در سامانه اطلاعات مکانی (سام) برای تبدیل نشانی خیابان ها به داده های مکانی که به صورت عارضه بر روی نقشه قابل نمایش باشند	15
۳۴	همتابایی نشانی	address matching	[مهندسی نقشه برداری]	فرآیندی که در آن یک نشانی یا یک جدول از نشانی ها با ویژگی های نشانی یک مجموعه داده مرجع مقایسه می شود تا مشخص شود که یک نشانی خاص در دامنه نشانی های مرتبط با عارضه مورد نظر در مجموعه داده مرجع انطباق دارد یا خیر	15
۳۵	گستره نشانی	address range	[مهندسی نقشه برداری]	گستره شماره های موجود در یک خیابان یا در بخشی از یک خیابان از کمترین تا بیشترین مقدار	15
۳۶	خدمات نشانی	address service	[مهندسی نقشه برداری]	خدماتی که می توان از طریق آن موقعیت یک نشانی را تعیین و متقابلاً نشانی یک موقعیت را مشخص کرد	15
۳۷	سرشکن کردن	adjust 1	[مهندسی نقشه برداری]	عمل به حداقل رساندن خطاهای دسته ای از مشاهدات از طریق انجام عملیات ریاضی یا فیزیکی یا آماری	2
۳۸	سرشکنی پذیر	adjustable 1	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی مشاهداتی که می توان به روش سرشکنی خطای آنها را به حداقل رساند	2
۳۹	ارتفاع سرشکن شده	adjusted elevation	[مهندسی نقشه برداری]	ارتفاعی که از افزودن تصحیح سرشکنی به ارتفاع قائم به دست می آید	7
۴۰	سرشکنی	adjustment 2	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه عملیات ریاضی یا فیزیکی یا آماری که برای به حداقل رساندن خطای دسته ای از مشاهدات یک یا چند کمیت مرتبط به کار رود	2
۴۱	دوربین هوایی	aerial camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای عکس برداری در هواگرد طراحی شده است	8
۴۲	برداشت مغناطیسی هوایی	aerial magnetic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت تغییرات میدان مغناطیسی زمین	14
۴۳	نقشه سازی هوایی	aerial mapping	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه نقشه با استفاده از عکس های هوایی	8
۴۴	پاره چین عکسی هوایی	aerial mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که از کنار هم چیدن عکس های هوایی تولید می شود مت. پاره چین هوایی	4
۴۵	تصویرسنجی هوایی	aerial photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از تصویرسنجی که در آن از ماهواره یا هواگرد برای عکس برداری از زمین استفاده می شود	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۶	بررسی هوایی	aerial reconnaissance, aerial survey 2	[باستان‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	روشی برای کشف و ثبت محوطه‌های باستانی با استفاده از انواع هواگرد	13
۴۷	برداشت هوایی	aerial survey 1, aerosurvey, air survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که با هواگرد و به کمک عکس‌برداری هوایی انجام می‌شود	7
۴۸		aerial survey 2 → aerial reconnaissance	[باستان‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]		13
۴۹	نقشه‌برداری هوایی	aerial surveying	[مهندسی نقشه‌برداری]	بخشی از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی به کمک تصویربرداری هوایی است	4
۵۰	مثلث‌بندی هوایی	aerial triangulation, aerotriangulation	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین مختصات نقاط زمینی از طریق اندازه‌گیری بر روی عکس‌های هم‌پوشان و به کمک مختصات نقاط زمینی از پیش معلوم	5
۵۱	نقشه‌هوانوردی	aeronautical chart	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که برای ناوبری هوایی طراحی می‌شود	8
۵۲	عمق اپتیکی هواسلی	aerosol optical depth	[مهندسی نقشه‌برداری]	کمیتی که مقدار نور کسر شده از یک پرتو نور را، در طول مسیر، از طریق جذب یا پراکنش توسط هواسل‌های جوّی نشان می‌دهد مت. ضخامت اپتیکی هواسلی aerosol optical thickness	14
۵۳	ضخامت اپتیکی هواسلی	aerosol optical thickness	[مهندسی نقشه‌برداری]	← عمق اپتیکی هواسلی	14
۵۴		aerosurvey → aerial survey	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۵۵		aerotriangulation → aerial triangulation	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۵۶	خط مبنای هوایی	air base	[مهندسی نقشه‌برداری]	خط واصل دو موقعیت مرکز عدسی دوربین یا فاصله بین مراکز عدسی یک جفت دوربین در لحظه عکس‌برداری	10
۵۷		air survey → aerial survey	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۵۸	راستایاب	alidade	[مهندسی نقشه‌برداری]	بخشی از دوربین نقشه‌برداری که شامل افزاره نشانه‌روی و ضمایم مربوط به قرائت و ثبت داده‌هاست	7
۵۹	پویشگر طولی	along-track scanner	[مهندسی نقشه‌برداری]	ابزاری در سنجش‌ازدور که در آن شمار فراوانی حسگر، نور بازتابیده از سطح را در جهت حرکت ماهواره ثبت می‌کند و در نتیجه، تصویری با خطوط پوششی مجاور با هم‌پوشانی مختصر تولید می‌شود	14
۶۰	پویش طولی	along-track scanning	[مهندسی نقشه‌برداری]	پویشی که در آن آرایه‌ای خطی از آشکارسازها در جهت عمود بر پرواز قرار دارد و هر آشکارساز به موازات راستای پرواز در میدان دید لحظه‌ای خود تصویربرداری می‌کند	14
۶۱	پیمایش فرازیافتی	altimetric traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن، معمولاً با یک فرازیاب، ارتفاع نقاط با اندازه‌گیری فشار هوا و تبدیل آن به فرازا به دست می‌آید	9
۶۲	هوش محیط	ambient intelligence, AmI	[مهندسی نقشه‌برداری]	فضایی الکترونیکی و اطلاعاتی حساس به حضور افراد که با عملکردی هوشمند پاسخگوی نیازهای آنان است	15
۶۳	هوش مکانی محیط	ambient spatial intelligence, AmSI	[مهندسی نقشه‌برداری]	هوش مربوط به محیط‌های ساختمانی و طبیعی برای پاسخگویی به پرسش‌های مکانی-زمانی و پایش رویدادهای جغرافیایی	15
۶۴	ابهام	ambiguity	[زبان‌شناسی، مهندسی نقشه‌برداری]	[زبان‌شناسی] وضعیت ناظر بر واژه یا جمله‌ای که بیش از یک معنی دارد [مهندسی نقشه‌برداری] عدد صحیح طول موج در فاصله بین فرستنده و گیرنده مت. عدد صحیح ابهام integer ambiguity	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۵	رفع ابهام	ambiguity resolution	[مهندسی نقشه‌برداری]	روند محاسباتی یا الگوریتم/ خوارزمی تعیین مقدار ابهام	7
۶۶		Aml → ambient intelligence	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۶۷		AmsI → ambient spatial intelligence	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۶۸	قیاسی به رقمی	analog to digital	[مهندسی نقشه‌برداری]	← تبدیل قیاسی به رقمی	14
۶۹	تبدیل قیاسی به رقمی	analog-to-digital conversion	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تبدیل مقادیر قیاسی به معادل رقمی آنها مت. قیاسی به رقمی analog to digital	14
۷۰	مبدل قیاسی به رقمی	analog-to-digital converter	[مهندسی نقشه‌برداری]	افزارهای که نشانک/ سیگنال قیاسی را دریافت می‌کند و آن را، به‌صورتی مناسب، به قالب رقمی تبدیل می‌کند	14
۷۱	تصویر قیاسی	analogue image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که در آن تغییرات پیوسته یک ویژگی مشخص با تغییرات پیوسته در مایه خاکستری نشان داده شده باشد	13
۷۲	تصویرسنجی قیاسی	analogue photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن از دستگاه‌های قیاسی استفاده می‌شود	4
۷۳	دستگاه تبدیل قیاسی	analogue stereoplottter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از ابزارهای مکانیکی و نوری برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کنند	4
۷۴	تصویرسنجی تحلیلی	analytical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن از شیوه‌های تحلیلی استفاده می‌شود	4
۷۵	دستگاه تبدیل تحلیلی	analytical stereoplottter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که از روش‌های تحلیلی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کند	4
۷۶	داده‌های کمکی	ancillary data	[مهندسی نقشه‌برداری]	داده‌هایی که از آنها در پردازش داده‌های اخذشده از تجهیزات استفاده می‌شود	14
۷۷		angle of crab → crab angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۷۸		angle of depression → depression angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		14
۷۹	پیمایش چپ‌گرد	angle-to-left traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن تمام زاویه‌ها پس از توجیه زاویه‌یاب از طریق دید عقب نسبت به ایستگاه قبلی در خلاف جهت عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود	9
۸۰	پیمایش راست‌گرد	angle-to-right traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن تمام زاویه‌ها پس از توجیه زاویه‌یاب از طریق دید عقب نسبت به ایستگاه قبلی در جهت عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود	9
۸۱	پهنای زاویه‌ای باریکه رادار	angular beam-width in radar	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه‌ای که باریکه پرتو رادار در سطح افقی پوشش می‌دهد	14
۸۲	خطای بست زاویه‌ای	angular misclosure	[مهندسی نقشه‌برداری]	اختلاف میان مجموع واقعی یک رشته زاویه و مقدار نظری آن مجموع	12
۸۳	فرازای ظاهری	apparent altitude	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرازای زاویه‌ای یک چرم سماوی	7
۸۴	افق ظاهری	apparent horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	خط نامنظمی که در امتداد آن پرتوهای گسیل شده از نقطه مشاهده مماس بر سطح زمین باشد مت. افق محلی horizon local افق مرئی visible horizon	9
۸۵	شیب ظاهری	apparent slope	[مهندسی نقشه‌برداری]	شیب بخشی از زمین که در عکس‌های هوایی مشاهده‌شده با برجسته‌نما همراه با اعوجاج یا اغراق ارتفاعی (vertical exaggeration) به نظر می‌رسد	9
۸۶	نقشه اختصاصی	arbitrary map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که به سفارش یک شرکت یا سازمان خاص برای مقاصد خاص تهیه می‌شود	8
۸۷	تصویرسنجی معماری	architectural photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی آثار معماری و میراث فرهنگی می‌پردازد	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۸		area feature → areal feature	[مهندسی نقشه برداری]		7
۸۹		area survey → areal survey	[مهندسی نقشه برداری]		7
۹۰	همتایابی ناحیه مینا	area-based image matching	[مهندسی نقشه برداری]	همتایابی بر مبنای مقایسه الگوهای شدت مقادیر تصاویر	13
۹۱	عارضه سطحی	areal feature, area feature	[مهندسی نقشه برداری]	شکلی بسته که محدوده داخل آن سطحی همگن دارد	7
۹۲	برداشت ناحیه‌ای	areal survey, area survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که تمام ایستگاه‌های یک منطقه را در بر می‌گیرد	7
۹۳	برداشت ساخته‌ها	as-built survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که پس از تکمیل ساخت، برای یافتن نقاط جدید و آپایش مسطحاتی و ارتفاعی و نیز تعیین موقعیت و پیشرفت سازه انجام می‌شود	7
۹۴		astronomic tide → astronomical tide	[اقیانوس‌شناسی، مهندسی نقشه برداری]		8
۹۵	سمت نجومی	astronomical azimuth	[مهندسی نقشه برداری]	← سمت حقیقی	9
۹۶	کشند نجومی	astronomical tide	[اقیانوس‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	کشند حاصل از گرانش ماه و خورشید	8
۹۷	پیمایش نجومی	astronomical traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن مختصات جغرافیایی نقاط با استفاده از مشاهدات نجومی محاسبه می‌شود	5
۹۸	جذبایی جو	atmospheric absorbance	[مهندسی نقشه برداری]	کسری از تابش که جذب جو می‌شود	14
۹۹		atmospheric absorbtivity → atmospheric absorptance	[مهندسی نقشه برداری]		14
۱۰۰	جذبندگی جو	atmospheric absorptance, atmospheric absorbtivity	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان جذب نور توسط مواد شیمیایی مختلف در جو	14
۱۰۱	جذب جوی	atmospheric absorption/ atmospheric absorbtion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در طی آن ذرات موجود در جو انرژی تابشی جذب می‌کنند	14
۱۰۲	تصحیح جوی	atmospheric correction	[مهندسی نقشه برداری]	جبران آثار پراکنش گزینشی نور در جو	14
۱۰۳	توجیه زاویه‌ای	attitude 1	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین جهت یک جسم براساس زوایای میان محورهای مختصات آن جسم نسبت به محورهای مختصات مرجع خارجی	14
۱۰۴	اطلاعات توصیفی	attribute 1	[مهندسی نقشه برداری]	مشخصه یا خصیصه یا کیفیت یک عارضه مکانی	7
۱۰۵	طبقه اطلاعات توصیفی	attribute class	[مهندسی نقشه برداری]	گروه مشخصی از اطلاعات توصیفی	7
۱۰۶	کد اطلاعات توصیفی	attribute code	[مهندسی نقشه برداری]	شناسه حرفی عددی اطلاعات توصیفی	7
۱۰۷		automated cartography → digital cartography	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۰۸	ترازیاب خودکار	automatic level, automatic levelling	[مهندسی نقشه برداری]	ترازیابی مجهز به یک سامانه تصحیح‌کننده که وقتی دستگاه تا حدی از تنظیم تراز خارج شده	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		instrument		باشد، سبب می‌شود خط دید به‌طور خودکار افقی باقی بماند مت. تراز یاب خودتنظیم self-adjusting level, self-aligning level	
۱۰۹		automatic levelling instrument → automatic level	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۱۱۰	دستگاه تبدیل خودکار	automatic stereoplottter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از روش‌های خودکار برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کنند	4
۱۱۱	جهت سمتی	azimuth direction	[مهندسی نقشه‌برداری]	در تصاویر راداری، جهتی که هواگرد به سمت آن پرواز می‌کند مت. راستای پرواز flight direction	14
۱۱۲	تفکیک سمتی	azimuth resolution	[مهندسی نقشه‌برداری]	توان تفکیک مکانی در راستای سمتی مت. توان تفکیک سمتی	14
۱۱۳		back azimuth → reverse azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۱۱۴		back sight → backsight	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۱۱۵		backscatter → radar backscatter	[مهندسی نقشه‌برداری]		14
۱۱۶	دید عقب	backsight/ back sight	[مهندسی نقشه‌برداری]	قرائت چوبه تراز یابی بر روی نقطه‌ای که قبلاً قرائت شده است	7
۱۱۷	ارتفاع فشارسنجی	barometric elevation	[مهندسی نقشه‌برداری]	ارتفاعی که از اندازه‌گیری فشار جوّی با فشارسنج به دست می‌آید مت. ارتفاع فشارسنجی	7
۱۱۸	خط پایه	base line/ baseline	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطی فرضی که دو نقطه را به هم وصل می‌کند و مبنای اندازه‌گیری محسوب می‌شود مت. خط مبنا	7
۱۱۹	نقشه پایه	base map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که با افزودن اطلاعات به آن، نقشه‌های دیگری به دست می‌آید	4
۱۲۰		baseline → base line	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۱۲۱	کدبندی مکانی دسته‌ای	batch geocoding	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند کدبندی مکانی هم‌زمان برای شمار بسیاری از اطلاعات مربوط به نشانی	15
۱۲۲	ژرفاسنج	bathymeter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاهی برای انجام عملیات اندازه‌گیری ژرفا در اقیانوس‌ها و سایر آب‌ها	2
۱۲۳	نقشه ژرفایی	bathymetric map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن پستی‌وبلندی‌های کف دریا به تصویر کشیده شود	2
۱۲۴	ژرفانگار	bathymetrograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای برای ثبت دما برحسب عمق آب	2
۱۲۵	ژرفاسنجی	bathymetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیات اندازه‌گیری ژرفا در اقیانوس‌ها و سایر آب‌ها	2
۱۲۶		bearing 1 → bearing of line	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۱۲۷	سویه ۱	bearing of line, bearing 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه افقی یک امتداد با نصف‌النهار مرجع در ربعی که در آن قرار دارد	7
۱۲۸	نشانه ارتفاعی	bench mark 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	نشانه‌ای کم‌وبیش ماندگار که ارتفاع آن با دقت کافی مشخص شود	2
۱۲۹	تصویر دودویی	binary image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری رقمی که هر عنصر آن تنها دو مقدار می‌تواند داشته باشد	14
۱۳۰	اشتباه	blunder	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطایی که از بی‌توجهی افراد یا معیوب بودن دستگاه ناشی شود	2
۱۳۱	مقیاس کناری	border scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقیاسی که در امتداد لبه نقشه رسم می‌شود	8
۱۳۲	اثر نقاط اصلی	cardinal point effect	[مهندسی نقشه‌برداری]	علائم بسیار روشنی که گوشه‌های بازتابنده‌ای که به‌صورت بهینه جهت‌گیری شده‌اند، آنها را پدید می‌آورند	14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۳۳	نمودار نقشه	cartogram	[مهندسی نقشه برداری]	نموداری کوچک بر روی نقشه که اطلاعات کمی را نشان می‌دهد	10
۱۳۴	نقشه‌نگار	cartographer	[مهندسی نقشه برداری]	کارشناس و متخصص نقشه‌نگاری	4
۱۳۵	عارضه نقشه‌نگاشتی	cartographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	هر عارضه طبیعی یا مصنوعی که بر روی نقشه نمایش داده شده است مت. عارضه نقشه map feature	7
۱۳۶	مدل‌سازی نقشه‌نگاشتی	cartographic modelling	[مهندسی نقشه برداری]	← جبر نقشه	7
۱۳۷		cartographic photography → mapping photography	[مهندسی نقشه برداری]		8
۱۳۸	نقشه‌نگاری	cartography	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری تهیه و بررسی نقشه	4
۱۳۹	سنجش نقشه‌ای	cartometric scaling	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه‌گیری دقیق مختصات جغرافیایی یا شبکه‌ای بر روی نقشه با خط‌کش مدرج	10
۱۴۰	برهم‌گذاری رسته‌مینا	category-wide overlay	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقادیر به کل نواحی موضوعی به‌عنوان تابعی از مقادیر دیگر لایه‌های مرتبط با یک رده مت. برهم‌گذاری منطقه‌مینا region-wide overlay	15
۱۴۱	تصویر آشکارساز تغییرات	change-detection image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری تفاضلی که از مقایسه رقمی دو تصویر در زمان‌های مختلف به دست می‌آید و تغییرات را نشان می‌دهد	13
۱۴۲	نقشه ۱	chart	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌های ناوبری دریانوردی و هوانوردی و برخی از نقشه‌هایی که کاربرد ویژه دارند	2
۱۴۳	نقشه‌سازی ۱	charting	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند طراحی و تولید نقشه‌های مورد نیاز در ناوبری	2
۱۴۴	نسخه وارسی	check plot 2	[مهندسی نقشه برداری]	نسخه ترسیمی که برای بررسی و تصحیح محتوا یا دقت موقعیت داده‌های رقمی و نقشه به کار می‌رود	4
۱۴۵	نقطه وارسی	check point 2	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای بر روی زمین با موقعیت معلوم برای واپایش جابه‌جایی و سرشکنی و موقعیت	4
۱۴۶	تراز کروی	circular level, universal level, spherical level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی که سطح زبرین آن کروی است و حباب داخل آن دایره است	7
۱۴۷	پویشگر دورانی	circular scanner	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری که با دوران یک آینه حول محور قائم، میدان دید لحظه‌ای از زمین را در نوارهای دایره‌ای پویش می‌کند	14
۱۴۸	پویش دورانی	circular scanning	[مهندسی نقشه برداری]	پویشی که در آن موتور و آینه پویش بر محور دوران قائمی نصب شده‌اند که مسیری دایره‌ای را بر روی زمین می‌پیماید	14
۱۴۹		circulation map → traffic-circulation map	[مهندسی نقشه برداری]		8
۱۵۰		city map → urban map	[مهندسی نقشه برداری]		8
۱۵۱		city survey → urban survey	[مهندسی نقشه برداری]		7
۱۵۲	طبقه‌بندی پیمایش	classification of traverses, traverse classification	[مهندسی نقشه برداری]	دسته‌بندی پیمایش‌ها براساس میزان دقت واپایش در آنها	9
۱۵۳	تصویرسنجی بُرد کوتاه	close range photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن عکس‌برداری با دوربینی که در فاصله چندمیلی‌متری تا چندصدمتری شیء قرار دارد، انجام می‌شود	4
۱۵۴		closed traverse → loop traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۱۵۵		closure of traverse → error of closure of	[مهندسی نقشه برداری]		5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		traverse			
۱۵۶	عملیات دسته‌بندی	clump operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	تخصیص مقادیر جدید به گروه‌های مجاور از خانک‌های درون هر رده از نقشه	15
۱۵۷	نقشه‌سازی ساحلی	coastal mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]	تهیه نقشه از ناحیه ساحلی	8
۱۵۸	خط کناره	coastline	[اقیانوس‌شناسی، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	خطی که حداکثر پیشروی امواج توفانی بر روی ساحل / کرانه را نشان می‌دهد	8
۱۵۹		co-declination → polar distance	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۱۶۰	حباب انطباقی	coincidence bubble	[مهندسی نقشه‌برداری]	حبابی که مرکزی شدن آن با انطباق تصاویر دو لبه آن بر هم مشخص می‌شود	7
۱۶۱	تراز لویبایی	coincidence level	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی تراز استوانه‌ای که در آن تصویرهای دو لبه حباب با استفاده از یک سامانه منشوری در مقابل هم دیده می‌شوند	7
۱۶۲	نقشه‌سازی همکارانه	collaborative mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]	یکپارچه‌سازی نقشه‌های اینترنتی با محتوای کاربرزاد (content user-generated)	15
۱۶۳	عدسی موازی‌ساز	collimating lens	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی عدسی که برای موازی ساختن پرتوهای ورودی به سامانه نوری به کار می‌رود	5
۱۶۴	موازی‌سازی	collimation 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	هم‌راستا کردن با یک خط یا در یک جهت	5
۱۶۵	هم‌راستاسازی ۲	collimation 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند قرار دادن اجزای نوری یک دوربین دقیقاً در یک امتداد	5
۱۶۶	محور هم‌راستایی	collimation axis	[مهندسی نقشه‌برداری]	خط گذرنده از عدسی شیئی و عمود بر محور چرخش دوربین	5
۱۶۷	خطای هم‌راستایی	collimation error	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه انحراف بین محور دیدگانی موجود و محور دیدگانی کاملاً تنظیم‌شده	5
۱۶۸	هم‌راستاساز	collimator 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای که برای هم‌راستاسازی محورهای نوری اجزای مختلف یک سامانه نوری مورد استفاده قرار می‌گیرد	5
۱۶۹	تصویر ترکیب‌رنگی	colour-composite image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری رنگی که از اختصاص رنگ‌های مختلف به باندهای متفاوت و ترکیب آنها به دست می‌آید	13
۱۷۰	تصویر نسبتی ترکیب‌رنگی	colour-ratio composite image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویر ترکیب‌رنگی‌ای که از ترکیب تصاویر منفرد نسبتی برای یک صحنه، با استفاده از رنگ‌های مختلف، تولید می‌شود	13
۱۷۱	مقیاس تألیف	compilation scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقیاسی که نقشه در آن تألیف می‌شود و ممکن است با مقیاس بیان شده در نقشه تفاوت داشته باشد	9
۱۷۲		completion survey → field-completion survey	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۱۷۳	نقشه ترکیبی	composite map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که از ترکیب دو یا چند نقشه با محدوده جغرافیایی و دستگاه مختصات مرجع واحد به دست می‌آید	8
۱۷۴	طول بستار	concluded length	[مهندسی نقشه‌برداری]	طول پهلویی که اندازه‌گیری نمی‌شود، ولی برای اینکه شبکه تماماً متشکل از مثلث باشد، در شبکه سه‌پهلوبندی که در ابتدا شامل یک شکل غیرمثلثی بوده است، گنجانده می‌شود	10
۱۷۵	بافت آگاهی	context awareness	[مهندسی نقشه‌برداری]	فناوری توانمندساز سامانه‌های همه‌جاگاه	9
۱۷۶	سامانه بافت‌آگاه	context-aware system	[مهندسی نقشه‌برداری]	سامانه‌ای که با توجه به موقعیت یا بافت اطلاعات یا خدمات مناسب به کاربر ارائه می‌دهد	9
۱۷۷	عکس‌برداری نوارپیوسته	continuous-strip photography	[مهندسی نقشه‌برداری]	ثبت عکس بر روی نوار پیوسته، با دوربین‌های مخصوص	2

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۷۸		control net → control network	[مهندسی نقشه‌برداری]		4
۱۷۹	شبکه واپایش	control network, control net	[مهندسی نقشه‌برداری]	شبکه نقشه‌برداری که همه نقاط آن نقاط واپایش هستند	4
۱۸۰	نقطه واپایش	control point	[مهندسی نقشه‌برداری]	مجموعه‌ای از نقطه‌ها با موقعیت افقی یا عمودی معلوم که به‌عنوان مرجع ثابت در تعیین موقعیت و مرتبط کردن عوارض نقشه‌ای یا عکس‌های هوایی یا تصاویر دور‌کاوی به کار می‌رود	4
۱۸۱		control station → ground control point	[مهندسی نقشه‌برداری]		4
۱۸۲	پاره‌چین واپایش شده	controlled mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکس‌های واپایش شده تولید می‌شود	4
۱۸۳	پاره‌چین عکسی واپایش شده	controlled photomosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکس‌های واپایش شده به دست می‌آید	4
۱۸۴		conventional cartography → traditional cartography	[مهندسی نقشه‌برداری]		4
۱۸۵	عکس‌برداری هم‌گرا	convergent photography	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکس‌برداری از یک صحنه، از دو یا چند ایستگاه به‌طوری که محور دوربین‌ها هم‌گرا باشد	2
۱۸۶	گوشه	corner 3	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای که در آن دو یا چند خط مرزی با یکدیگر تلاقی می‌کنند	10
۱۸۷	بازتابگر گوشه‌ای	corner reflector	[مهندسی نقشه‌برداری]	گوشه‌ای که از دو یا سه صفحه مسطح متعامد تشکیل شده است و امواج الکترومغناطیسی را مستقیماً به سمت منبع برمی‌گرداند	14
۱۸۸	صحیح	correct	[مهندسی نقشه‌برداری]	ویژگی کمیتی که یک مقدار مشخص به آن افزوده یا از آن کاسته شده است تا انحراف‌های آن جبران شود	2
۱۸۹	تصحیح	correction	[مهندسی نقشه‌برداری]	افزودن یک مقدار به یک کمیت یا کاستن از آن برای جبران انحراف‌های مشخص و غیرقابل‌صرف‌نظر در اندازه‌گیری	2
۱۹۰	تصحیحی	corrective	[مهندسی نقشه‌برداری]	مربوط به تصحیح	2
۱۹۱	صحت	correctness	[مهندسی نقشه‌برداری]	ویژگی وضعیت یک کمیت پس از جبران انحراف‌های مشخص و غیرقابل‌صرف‌نظر در اندازه‌گیری آن	2
۱۹۲	تصویر متناظر	corresponding image	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر تصویری از یک شیء که با دیگر تصاویر همان شیء تناظر داشته باشد	10
۱۹۳	پرتی	crab	[مهندسی نقشه‌برداری]	حالتی که در آن امتداد لبه‌های عکس هوایی موازی با یا عمود بر مسیر از پیش تعیین‌شده پرواز باقی نمی‌ماند	7
۱۹۴	زاویه پرتی	crab angle, angle of crab	[مهندسی نقشه‌برداری]	کوچک‌ترین زاویه میان خط پرواز و کناره‌ای از عکس که به راستای خط پرواز نزدیک‌تر است	7
۱۹۵	قطبیده متقاطع	cross-polarized	[مهندسی نقشه‌برداری]	← تصویر قطبیده متقاطع	14
۱۹۶	تصویر قطبیده متقاطع	cross-polarized image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری راداری که از جهت متقابل قطبش حاصل شده است و در آن راستای قطبش بازگشتی بر راستای قطبش ارسالی عمود است مت. قطبیده متقاطع cross-polarized	14
۱۹۷	پویشگر عرضی	cross-track scanner	[مهندسی نقشه‌برداری]	ابزاری که با دوران یک آینه حول محور افقی، میدان دید لحظه‌ای را در نوارهایی موازی و عمود بر امتداد پرواز پویش می‌کند	14
۱۹۸	پویش عرضی	cross-track scanning	[مهندسی نقشه‌برداری]	پویشی که به کمک یک آینه نوسان‌کننده انجام می‌شود	14
۱۹۹	سام جمع‌سپاری	crowdsourcing GIS	[مهندسی نقشه‌برداری]	الگوی خاصی از تأمین داده که در آن افراد یا سازمان‌ها برای دریافت خدمات یا نظرهای موردنیاز خود از مشارکت اینترنتی کاربران استفاده می‌کنند	15

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۰۰		cultural feature → man-made feature	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۲۰۱		culture 1 → man-made feature	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۲۰۲	تراز استوانه‌ای	cylindrical level	[مهندسی نقشه‌برداری]	ترازی حباب‌دار به شکل استوانه	7
۲۰۳	داده‌کاهی	data reduction	[علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مهندسی نقشه‌برداری]	کاهش حجم داده‌ها بدون از دست رفتن اطلاعات یا عوارض موردنظر	14
۲۰۴	زاویه انحراف	deflection angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه‌ای افقی که با ادامه دادن خط قبلی در سمت چپ یا راست خط بعدی اندازه‌گیری می‌شود	9
۲۰۵	چگالی تصویر	density of image, image density	[مهندسی نقشه‌برداری]	میزان کدری یا تاریکی در شفافیت یک تصویر مثبت یا منفی	13
۲۰۶	برداشت وابسته	dependent survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که در آن مختصات برخی نقاط، بدون هیچ تغییر، عیناً از برداشت‌های موجود استخراج می‌شود	7
۲۰۷	زاویه اُفت ۱	depression angle, angle of depression	[مهندسی نقشه‌برداری]	۱. زاویه بین خط دید و خط افق ۲. در رادار، زاویه میان سطح افقی فرضی گذرنده از آنتن و خطی که آنتن را به نشانه وصل می‌کند	14
۲۰۸	اُفت افق	depression of the horizon, dip of the horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه قائم در نقطه مشاهده بین افق حقیقی و خط دیدی که تا افق ظاهری امتداد دارد مت. زاویه اُفت ۲ angle dip اُفت dip ۱	9
۲۰۹	برداشت تفصیلی	detailed survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که در آن عوارض کوچک موجود در منطقه نیز در نظر گرفته می‌شود	7
۲۱۰	تصویر تفاضلی	difference image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که از تفریق مقادیر عناصر تصویری دو تصویر به دست می‌آید	13
۲۱۱	نقشه‌نگاری رقمی	digital cartography, automated cartography	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تولید نقشه با سامانه رایانه‌ای	4
۲۱۲	تصویر رقمی	digital image, raster image, digitised picture	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویر به‌دست‌آمده در وضعیتی که خصوصیت مورداندازه‌گیری از یک دامنه پیوسته از مقادیر قیاسی به دامنه‌ای با شمار محدودی از اعداد درست‌بیمان‌شده تبدیل شده است	13
۲۱۳	نقشه رقمی	digital map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در واقع به‌صورت مجموعه‌ای از ارقام است و کاربرد رایانه‌ای دارد	8
۲۱۴	ایستگاه کاری تصویرسنجی رقمی	digital photogrammetric workstation, DPW, soft copy workstation	[مهندسی نقشه‌برداری]	مجموعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که به‌کمک روش‌های دستی و خودکار برای استخراج محصولات تصویرسنجی از تصاویر رقمی به کار می‌رود	4
۲۱۵	تصویرسنجی رقمی	digital photogrammetry, soft copy photogrammetry, soft copy	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن تصویر ورودی و داده‌های خروجی و پردازش‌ها رقمی هستند	4
۲۱۶	دستگاه تبدیل رقمی	digital stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از روش‌های رقمی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کند	4
۲۱۷		digitised picture/ digitized picture → digital image	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۲۱۸		digitized picture → digitised picture	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۲۱۹	اُفت	dip 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	← اُفت افق	9
۲۲۰	زاویه اُفت ۲	dip angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	← اُفت افق	9

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۲۱		dip of the horizon → depression of the horizon	[مهندسی نقشه برداری]		9
۲۲۲	ترازیابی مستقیم	direct levelling	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با استفاده از تراز یاب و مشاهده مستقیم درجات روی چوبه تراز یابی	7
۲۲۳	عملیات فاصله بندی	distance operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی برای تولید نقشه جدید بر مبنای فواصل و مسیرهای بین نقاط مت. عملیات مجاورت proximity operation	15
۲۲۴	تحویل فاصله	distance reduction	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند یافتن فاصله واقع بر بیضوی مرجع یا یک سطح هم پتانسیل خاص که متناظر با فاصله اندازه گیری شده بر روی زمین است	9
۲۲۵	کشند روزانه	diurnal tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	کشندی که در آن در یک روز قمری یک فراکشند و یک فروکشند رخ می دهد	8
۲۲۶	پیمایش رفت و برگشتی	double-run traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که با رفت و برگشت بین نقطه شروع و نقطه پایان انجام می شود و در هر دو مرحله بر روی همه نقاط پیمایش ایستگاه گذاری (visiting stations) می شود	9
۲۲۷		DPW → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		4
۲۲۸	ترازیاب یکپارچه	dummy level, dummy levelling instrument	[مهندسی نقشه برداری]	ترازیابی که دور بین آن به طور ثابت به صفحه پایه دستگاه متصل است	7
۲۲۹		dummy levelling instrument → dummy level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۲۳۰	مدت درنگ	dwel time 2	[مهندسی نقشه برداری]	مدت زمان لازم برای برداشت اطلاعات یک عنصر تصویری توسط آشکارساز	14
۲۳۱	ارتفاع دینامیکی	dynamic elevation, dynamic height	[مهندسی نقشه برداری]	ارتفاعی که از تقسیم عدد ژئوپتانسیل بر مقدار ثابتی از گرانی مرجع به دست می آید	5
۲۳۲		dynamic height → dynamic elevation	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۳۳	نقشه پویا	dynamic map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن رویدادهای دربردارنده حرکت یا عمل یا تغییر نمایش داده می شود	5
۲۳۴		échappée (fr.) → escape note	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۳۵		échelle 2 (fr.) → scale	[عمومی، مهندسی نقشه برداری]		1
۲۳۶	عمق یاب پژواکی	echo sounder	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی که عمق آب را از طریق زمان رفت و برگشت تپ/ پالس صوتی یا فراصوتی اندازه می گیرد مت. عمق یاب	2
۲۳۷	عمق یابی پژواکی	echo sounding	[باستان شناسی، مهندسی نقشه برداری]	فرایند اندازه گیری عمق آب از طریق اندازه گیری زمان رفت و برگشت تپ/ پالس صوتی یا فراصوتی	2
۲۳۸	آشکارسازی لبه	edge detection	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین وجود و آشکارسازی شکل و موقعیت لبه عارضه در یک تصویر	5
۲۳۹	آشکارساز لبه	edge detector	[مهندسی نقشه برداری]	عملگری برای مشخص کردن آن نواحی از تصویر که تغییر ناگهانی در درجه خاکستری دارند	5
۲۴۰	بهسازی لبه	edge enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی روش پردازش تصویر که در آن بر ظاهر ساختن خطوط و لبه ها تأکید می شود	14
۲۴۱		EDM → electronic distance measurement	[مهندسی نقشه برداری]		2

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۴۲	فاصله یاب الکترونیکی	electronic distance measurement, EDM	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای الکترونیکی که برای اندازه گیری فاصله بر اساس خواص امواج الکترومغناطیسی عمل می کند	2
۲۴۳	تُنْدیاب الکترونیکی	electronic tacheometer	[مهندسی نقشه برداری]	تُنْدیابی که از ابزار الکترونیکی برای فاصله یابی و زاویه یابی استفاده می کند	2
۲۴۴	مبنای ارتفاعی	elevation datum	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه یا سطح ترازوی که از آن به عنوان مرجع اندازه گیری ارتفاع استفاده می شود	7
۲۴۵	نقشه برداری مهندسی	engineering surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از نقشه برداری که به کار تدارک اجرای بخش هایی از طرح های مهندسی می پردازد	4
۲۴۶	مقیاس معادل	equivalent scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت فاصله کوتاهی بر روی نقشه به فاصله نظیر آن بر روی زمین	8
۲۴۷	خطادار	erroneous	[مهندسی نقشه برداری]	کمیت یا پارامتری که دارای خطا باشد	2
۲۴۸	خطا ۱	error	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان مقدار مشاهده شده یا محاسبه شده یک کمیت با مقدار واقعی یا پذیرفته شده آن	2
۲۴۹		error of closure → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۲۵۰		error of closure in levelling → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۲۵۱	خطای بست پیمایش	error of closure of traverse, misclosure of traverse, closure of traverse	[مهندسی نقشه برداری]	عددی که تفاوت مختصات محاسبه شده از پیمایش با مختصات داده شده نقطه واپایش پیمایش را نشان می دهد	5
۲۵۲	خبره سپاری	expertsourcing/expert sourcing/expert-sourcing	[مهندسی نقشه برداری]	واگذاری حل یک مسئله به فرد یا افرادی که دارای تجربه کافی در زمینه مشخصی هستند	15
۲۵۳	برداشت کاوشی	exploratory survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای به دست آوردن اطلاعات عمومی درباره منطقه ای که سوابقی از آن موجود نیست انجام می شود	7
۲۵۴		exterior angle → external angle	[مهندسی نقشه برداری]		9
۲۵۵		exterior orientation → outer orientation	[مهندسی نقشه برداری]		7
۲۵۶	زاویه خارجی	external angle, exterior angle	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه بین یک ضلع و امتداد ضلع مجاورش در خارج از چندضلعی	9
۲۵۷	طول پایه چشمی	eye base, interpupillary distance, interocular distance	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله میان مراکز مردمک های دو چشم	10
۲۵۸	کاذب رنگ	false colour	[مهندسی نقشه برداری]	رنگی که با افزودن آن به تصویر بازه بسامدهایی که به چشم انسان نامرئی هستند، مرئی می شود یا تباین نوریشان تشدید می گردد	4
۲۵۹	عکس برداری کاذب رنگ	false colour photography	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی عکس برداری که در آن تصاویر کاذب رنگ تولید می شود	4
۲۶۰	تصویر کاذب رنگ	false-colour image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن، به جای رنگ های طبیعی، رنگ های دیگر به کار رفته باشد	10
۲۶۱	عارضه	feature 2	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه ای از نقاط و خطوط و چندضلعی ها در پایگاه داده های مکانی که بیانگر یک شیء در جهان واقعی است	7
۲۶۲	جدول اطلاعات توصیفی عارضه	feature attribute table	[مهندسی نقشه برداری]	جدولی حاوی اطلاعات مربوط به یک طبقه عارضه مشخص	7
۲۶۳	کُد عارضه	feature code	[مهندسی نقشه برداری]	شناسه حرفی عددی برای توصیف یا طبقه بندی عارضه جغرافیایی یا مکانی	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۶۴	جابه‌جایی عارضه	feature displacement	[مهندسی نقشه‌برداری]	تغییر دادن جای عوارض نقشه برای جلوگیری از تداخل با سایر عوارض یا روی هم چاپ شدن آنها	7
۲۶۵	استخراج عارضه	feature extraction	[مهندسی نقشه‌برداری]	گزینش جنبه‌های مهم یک تصویر رقومی به‌عنوان راهنمای همتایابی تصویر و بازشناسی الگو	7
۲۶۶	شناسه عارضه	feature identifier	[مهندسی نقشه‌برداری]	شناسه‌ای یکتا برای بازشناسی هر عارضه	7
۲۶۷	ارتباط عارضه	feature relationship	[مهندسی نقشه‌برداری]	رابطه میان مصادیق یک نوع عارضه با سایر مصادیق همان نوع عارضه یا با مصادیق سایر انواع عارضه	7
۲۶۸	فضای عارضه	feature space	[مهندسی نقشه‌برداری]	فضای نظری چندبُعدی شامل چند شیء شطرنجی	7
۲۶۹	همتایابی عارضه‌مینا	feature-based image matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	همتایابی بر مبنای یافتن همخوانی میان عوارض تصاویر	13
۲۷۰	علامت اطمینان	fiducial mark, fiducial marker	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر یک از علامت‌هایی که نشانگر محورهایی هستند که تقاطعشان نقطه اصلی عکس را نشان می‌دهد	10
۲۷۱		fiducial marker → fiducial mark	[مهندسی نقشه‌برداری]		10
۲۷۲		field completion → field-completion survey	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۲۷۳	برداشت تکمیلی	field-completion survey, field completion, completion survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشت یا بازبینی میدانی برای تکمیل نقشه‌ای که بخشی از اطلاعات آن براساس عکس‌های هوایی تهیه می‌شود	7
۲۷۴	ترازیابی درجه یک	first-order levelling	[مهندسی نقشه‌برداری]	← ترازیابی دقیق	7
۲۷۵	برداشت درجه یک	first-order survey, primary survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که با بیشترین دقت و درستی ممکن انجام می‌شود	7
۲۷۶	پیمایش درجه یک	first-order traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی بسته که با معیارهای جهانی نقاط واپایش درجه یک مطابقت دارد	5
۲۷۷	راستای پرواز	flight direction	[مهندسی نقشه‌برداری]	← جهت سمتی	14
۲۷۸	نقطه شناور	floating mark, floating point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نشانه‌ای در فضای سه‌بعدی که از ترکیب سه‌بعدی یک جفت عکس تشکیل می‌شود و در اندازه‌گیری مدل سه‌بعدی به‌عنوان نشانه مرجع به کار می‌رود	5
۲۷۹		floating point → floating mark	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۲۸۰		FMC → image-motion compensation	[مهندسی نقشه‌برداری]		10
۲۸۱	دید جلو	foresight 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	قرائت چوبه ترازیابی بر روی نقطه بعدی، یعنی نقطه‌ای که قرار است ارتفاع آن تعیین شود	7
۲۸۲		forward overlap → longitudinal overlap	[مهندسی نقشه‌برداری]		14
۲۸۳		forward-motion compensation → image-motion compensation	[مهندسی نقشه‌برداری]		10
۲۸۴	مقیاس کسری	fractional scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	← مقیاس عددی	8
۲۸۵	پیمایش چارچوب‌دار	framed traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی با واپایش موقعیتی و سوبه‌ای کامل	10
۲۸۶	نقشه عمومی	general map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که انواع عارضه‌های جغرافیایی را نشان می‌دهد	8
۲۸۷	نقشه عام‌منظوره	general-purpose map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که گستره وسیعی از اطلاعات مورد نیاز کاربران مختلف را ارائه می‌کند	8

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۸۸		geobased information system → geospital information system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۲۸۹		geo-centred coordinate system → geocentric coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۹۰	دستگاه مختصات زمین مرکز	geocentric coordinate system/ geo-centred coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه مختصاتی که مبدأ آن در مرکز زمین فرض می شود	5
۲۹۱	کدبندی مکانی	geocode, geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین موقعیت یک مکان به صورت مختصات جغرافیایی از طریق مقایسه آن با دیگر داده های جغرافیایی	15
۲۹۲	رده عارضه کدبندی شده مکانی	geocoded feature class	[مهندسی نقشه برداری]	یک رده عارضه که با کدبندی مکانی دسته ای تولید شده باشد مت. رده عارضه کدبندی شده	15
۲۹۳		geocoding → geocode	[مهندسی نقشه برداری]		15
۲۹۴	کدگر مکانی	geocoding engine	[مهندسی نقشه برداری]	هستاری در چهارچوب کدبندی مکانی که فرایند کدبندی را پیش می برد	15
۲۹۵	نمایه کدبندی مکانی	geocoding index	[مهندسی نقشه برداری]	نمایه ای در داده های مرجع که برای همتابایی اطلاعات در داده های مرجع با مکان یاب نشانی (address locator) به کار می رود	15
۲۹۶	بستر کدبندی مکانی	geocoding platform	[مهندسی نقشه برداری]	هستاری مفهومی در چهارچوب کدبندی مکانی که میانجی برهم کنش آرک جی آی اس (ArcGIS) را با عوامل ورودی تنظیم شده در مکان یاب نشانی و فرایندهای کدگر مکانی ترکیب می کند	15
۲۹۷	فرایند کدبندی مکانی	geocoding process	[مهندسی نقشه برداری]	گام های مربوط به برگردان مدخل نشانی و جست و جو برای نشانی در داده های مرجع موجود در مکان یاب نشانی و انتخاب بهترین گزینه از میان نامزدها	15
۲۹۸	داده های مرجع کدبندی مکانی	geocoding reference data	[مهندسی نقشه برداری]	داده هایی که برای نمایش هندسی مکان های مورد نظر در خدمات دهی کدبندی مکانی به کار می روند	15
۲۹۹	پایگاه قواعد کدبندی مکانی	geocoding rule base	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه ای از پرونده ها که کدگر مکانی را در جهت استاندارد سازی داده های نشانی و تطبیق آنها با مکان مربوط در داده های مرجع هدایت می کند	15
۳۰۰		geographic information system → geospital information system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۳۰۱	دیدرس جغرافیایی	geographic range	[مهندسی نقشه برداری]	حداکثر فاصله ای که در آن با توجه به انحنای زمین و ارتفاع شیء و نقطه دید می توان شیئی را دید	9
۳۰۲		geographical awareness → spatial context awareness	[مهندسی نقشه برداری]		9
۳۰۳	نقشه زمینوار	geoidal map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که ارتفاع زمینوار را نسبت به بیضوی مرجع با استفاده از منحنی میزان نشان می دهد	8
۳۰۴		geomatics engineering → surveying engineering	[مهندسی نقشه برداری]		4
۳۰۵		geometric horizon/ geometrical horizon → true horizon	[مهندسی نقشه برداری]		9
۳۰۶		geometrical horizon → geometric horizon	[مهندسی نقشه برداری]		9
۳۰۷	سامانه اطلاعات مکانی	geospatial information system, spatial information system, geographic	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه ای رایانه ای برای ایجاد و مدیریت داده های مکانی و اطلاعات توصیفی مرتبط و ذخیره سازی و ویرایش و تلفیق و تحلیل و ارائه اطلاعات مکان مینا	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		information system, geobased information system		اخت. سام GIS	
۳۰۸	نشان مکانی	geotag	[مهندسی نقشه برداری]	داده‌های جانپاده شده در یک رسانهٔ رقمی برای تعیین اطلاعات مکانی، معمولاً طول و عرض جغرافیایی، مربوط به شیء مورد نظر	15
۳۰۹	نشان گذاری مکانی	geotagging	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند افزودن نشان مکانی به عکس یا دیگر رسانه‌های رقمی	15
۳۱۰	سام	GIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانهٔ اطلاعات مکانی	4
۳۱۱		GIS → geospatial information system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۳۱۲	سامانهٔ موقعیت یابی جهانی	global positioning system, GPS 1	[مهندسی نقشه برداری]	سامانهٔ تعیین موقعیت و ناوبری ماهواره‌ای از نوع غیرفعال	4
۳۱۳	زاویه سنج	goniometer	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه‌های افقی	4
۳۱۴	برداشت زاویه‌سنجشی	goniometric survey	[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۳۱۵	پیمایش زاویه‌ای	goniometric traverse	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی پیمایش که در آن موقعیت زنجیره‌ای از نقاط با اندازه‌گیری فاصلهٔ میان نقاط و زاویهٔ بین پهلوها تعیین می‌شود مت. پیمایش زاویه‌سنجشی مت. پیمایش برداشت survey traverse برداشت چندضلعی سنجشی survey polygonometric برداشت زاویه‌سنجشی survey goniometric	10
۳۱۶	زاویه‌سنجی	goniometry	[مهندسی نقشه برداری]	روشی مکانیکی برای اندازه‌گیری زاویه	4
۳۱۷		GPS 1 → global positioning system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۳۱۸	موقعیت یاب جهانی	GPS receiver	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی برای اندازه‌گیری فاصلهٔ گیرنده از ماهواره‌های متعدد برای تعیین موقعیت آن از طریق محاسبهٔ محل تلاقی بردارهای فواصل مذکور مت. موقعیت یاب ۲	4
۳۱۹	مقیاس ترسیمی	graphic scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس که با خط یا نوار مدرج در حاشیهٔ نقشه نمایش داده می‌شود	2
۳۲۰	تصویر درجه خاکستری	grayscale image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن رنگ‌ها تنها سایه‌هایی از خاکستری هستند	13
۳۲۱	انحراف مغناطیسی شبکه	grid magnetic angle, grivation, grid variation	[مهندسی نقشه برداری]	زاویهٔ بین شمال شبکه و شمال مغناطیسی در جهت عقربه‌های ساعت	9
۳۲۲		grid variation → grid magnetic angle	[مهندسی نقشه برداری]		9
۳۲۳		grivation → grid magnetic angle	[مهندسی نقشه برداری]		9
۳۲۴	نقطهٔ واپایش زمینی	ground control point, control station	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای با مختصات مشخص که در عملیات نقشه‌برداری مرتبط مورد استفاده قرار می‌گیرد	4
۳۲۵	فاصلهٔ زمینی	ground distance, ground range	[مهندسی نقشه برداری]	فاصلهٔ بین دو نقطه بر روی زمین در امتداد دایرهٔ عظیمهٔ گذرنده از آن دو نقطه	9
۳۲۶		ground range → ground distance	[مهندسی نقشه برداری]		9
۳۲۷	ایستگاه گیرندهٔ زمینی	ground receiving station	[مهندسی نقشه برداری]	مکانی که در آن داده‌های ارسال شده از ماهواره ثبت می‌شود	14
۳۲۸	خانک تفکیک زمینی	ground resolution cell	[مهندسی نقشه برداری]	مکانی بر روی زمین که تحت پوشش میدان دید آنی (of instantaneous field of view) آشکارساز قرار دارد	14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۲۹		half mark → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۳۳۰		height displacement → relief displacement	[مهندسی نقشه برداری]		5
۳۳۱	ارتفاع کَشَنَد	height of tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو، مهندسی نقشه برداری]	فاصله عمودی سطح آب از سطح مبنای کَشَنَدی (chart datum) در هر زمان	8
۳۳۲	دستگاه مختصات خورشیدمرکز	heliocentric coordinate system, sun-centred coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه مختصاتی که مبدأ آن در مرکز خورشید فرض می شود	5
۳۳۳	نقشه نیم کره	hemispherical map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه نیمه استوایی یا نیمه های نصف النهاری زمین	8
۳۳۴	عکس بسیار مایل	high-oblique photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکس مایلی که افق در آن دیده می شود	4
۳۳۵	تصویر تمام نگاشتی	hologram imagery, holograph	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که بر مبنای روش هایی با امکان ساخت تصاویر سه بعدی تولید می شود و در آنها از لیزر و تداخل و پراش و ثبت شدت نور و نوردهی مناسب ثبت استفاده می شود به نحوی که تصویر حاصل، هماهنگ با تغییر موقعیت و جهت دستگاه بینایی تغییر می کند	13
۳۳۶		holograph → hologram imagery	[مهندسی نقشه برداری]		13
۳۳۷	تصویر نظیر	homologous image	[مهندسی نقشه برداری]	هریک از مجموعه تصاویر برداشته شده از یک شیء واحد از محل های مختلف که بر روی دو یا چند عکس هم پوشان ظاهر می شود	10
۳۳۸	دایره مدرج افقی	horizontal circle	[مهندسی نقشه برداری]	دایره مدرجی که برای اندازه گیری زاویه افقی در بعضی از دستگاه های نقشه برداری نظیر زاویه یاب، عمود بر محور اصلی دستگاه قرار دارد	7
۳۳۹	شبکه واپایش مسطحاتی	horizontal control network	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه ای از نقاط با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای واپایش عملیات نقشه برداری به کار می رود	4
۳۴۰	نقطه واپایش مسطحاتی	horizontal control point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای واپایش عملیات به کار می رود	4
۳۴۱	گذرنقطه مسطحاتی	horizontal pass point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای در ناحیه پوشش مشترک عکس ها که طول و عرض آن معلوم می شود	4
۳۴۲	عارضه آب نگاشتی	hydrographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه واقع در کرانه به نحوی که بخش هایی از آن در زیر آب باشد	7
۳۴۳	برداشت آب نگاشتی	hydrographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف اصلی آن تعیین اطلاعات مربوط به آب هاست	7
۳۴۴	نقشه برداری آب نگاشتی	hydrographic surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی بستر و کناره آب هاست	4
۳۴۵	تصویر ۲	image 1	[مهندسی نقشه برداری]	نمایشی از یک جسم که با استفاده از پرتوهای الکترومغناطیسی یا نور هندسی ایجاد می شود، به گونه ای که معمولاً میان نقاط نمایش و نقاط منابع پرتو تناظر یک به یک وجود دارد	2
۳۴۶	دُش نمایی تصویر	image aliasing	[مهندسی نقشه برداری]	بدنمایی یا از دست رفتن اطلاعات تصویر بر اثر نمونه برداری ناکافی	12
۳۴۷	تحلیل تصویر	image analysis	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند بررسی یک تصویر برای تشریح یا اندازه گیری یا نقشه سازی یا شمارش یا پایش آنچه بر سطح زمین قرار دارد	10
۳۴۸	گویاسازی تصویر	image annotation	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه گذاری و توضیح بخش های مختلف تصویر در اسناد و صفحات وب و پرونده های تصویری بارگذاری شده	12

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۴۹	آلیه تصویر	image artifact	[مهندسی نقشه برداری]	هرگونه بی نظمی در یک تصویر که بر اثر کارکرد نامناسب سامانه تصویرسازی یا هرگونه چگالی نامطلوب در تصویر رخ دهد	13
۳۵۰	نسبت منطری تصویر	image aspect ratio	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت پهنا به بلندی تصویر	14
۳۵۱	میانگین گیری تصویر	image averaging	[مهندسی نقشه برداری]	به دست آوردن میانگین یک رشته از تصاویر	12
۳۵۲	آمیزه سازی تصویر	image blending	[مهندسی نقشه برداری]	تلفیق یا ادغام دو تصویر هم اندازه	12
۳۵۳	واسنجی تصویر	image calibration	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد ارتباط بین کمیت های مکانی و پرتوسنجشی و طیفی اندازه گیری شده و مقدار درست متناظر آنها	14
۳۵۴	تصویر گیری	image capture	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد یک باز نمود رقمی از تصویر	13
۳۵۵	رده بندی تصویر	image classification	[مهندسی نقشه برداری]	گروه بندی تصویر دانه ها (pixels) به صورت رسته ها و رده ها برای تولید یک نمایش موضوعی (thematic representation)	10
۳۵۶	فشرده سازی تصویر	image compression	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی که در آن، ضمن حفظ اطلاعات تصویر، از حجم آن کاسته می شود و حافظه و زمان کمتری صرف ذخیره سازی و انتقال می شود	10
۳۵۷	تباين تصویر	image contrast	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت بین انرژی گسیل شده از یک شیء و محیط پیرامون آن	13
۳۵۸	بهسازی تباين تصویر	image contrast enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	پردازش تصویر به نحوی که در آن تباين تصویر بهبود یابد	13
۳۵۹	نسبت تباين تصویر	image contrast ratio	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت بازتابندگی روشن ترین و تاریک ترین بخش های یک تصویر	13
۳۶۰	گسترش تباين تصویر	image contrast stretching	[مهندسی نقشه برداری]	گسترش دامنه داده های عددی یک تصویر به دامنه بزرگ تر با هدف بهسازی تباين تصویر و اجزای آن	13
۳۶۱	تصحیح تصویر	image correction	[مهندسی نقشه برداری]	تصحیح خطاهای هندسی و نوری و مانند آن در یک تصویر	10
۳۶۲		image density → density of image	[مهندسی نقشه برداری]		13
۳۶۳	برش زنی چگالی تصویر	image density slicing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل مایه خاکستری در یک تصویر به تعدادی بازه چگالی یا برش که هر یک به یک ناحیه از دامنه خاص عددی تعلق دارد	13
۳۶۴	توصیف تصویر	image description	[مهندسی نقشه برداری]	توصیف بخش های یک تصویر حاصل از بخش بندی (segmentation) به نحوی که برای پردازش بعدی مناسب باشد	12
۳۶۵	آشکاری پذیری تصویر	image detectability	[مهندسی نقشه برداری]	قابلیت تشخیص اشیا در یک تصویر	13
۳۶۶	جهت تصویر	image direction	[مهندسی نقشه برداری]	جهت تصویر نسبت به موقعیت ماده حساس عکس برداری	10
۳۶۷	پالایه جهتی تصویر	image directional filter	[مهندسی نقشه برداری]	پالایه ای ریاضیاتی که برای بازسازی عوارض خطی جهت دار تصویر در یک راستای معین طراحی شده است	13
۳۶۸	جابه جایی تصویر	image displacement	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر موقعیت نقاط تصویر به دلیل کجی عکس یا پستی و بلندی زمین	10
۳۶۹	نمایش تصویر	image display	[مهندسی نقشه برداری]	ارائه برون داد سامانه پردازش تصویر که از مؤلفه های بنیادین مربوط به آن است	13
۳۷۰	واپسش تصویر	image distortion	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر شکل تصویر بر اثر عواملی مانند خطای عدسی یا تابیدگی فیلم یا حرکت دوربین	10
۳۷۱		image division → image ratioing	[مهندسی نقشه برداری]		13
۳۷۲	تصویر اندایی	image draping	[مهندسی نقشه برداری]	اندایش تصویر بر رویه	12
۳۷۳		image duplicate → image reproduction	[مهندسی نقشه برداری]		12

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۷۴	کدگذاری تصویر ۱	image encoding	[مهندسی نقشه برداری]	تبدیل داده‌های تصویری به یک قالب قابل خواندن به کمک رایانه برای فشرده‌سازی یا انتقال یا ذخیره‌سازی	13
۳۷۵	بهبودی تصویر	image enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	دست‌کاری تصویر برای برجسته‌سازی یا تأکید بر ویژگی‌های آن	10
۳۷۶	قالب تصویر	image format 1	[مهندسی نقشه برداری]	ساختار معیار برای سازمان‌دهی و ذخیره‌سازی تصاویر رقمی	13
۳۷۷	قطع تصویر	image format 2	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه واقعی فیلم منفی یا چارچوب یا بسترهای دیگری که تصویر بر روی آنها تولید می‌شود	13
۳۷۸	شکل‌گیری تصویر	image formation	[مهندسی نقشه برداری]	تشکیل تصویرهای دوبعدی از اشیای سه‌بعدی به کمک فرایندهای پرتوسنجشی و هندسی	12
۳۷۹	ادغام تصویر	image fusion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ترکیب اطلاعات مربوط به دو یا چند تصویر در تصویری واحد	12
۳۸۰	تصحیح هندسی تصویر	image geometric correction	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند دستکاری رقمی تصویر به نحوی که سطح تصویر با یک دستگاه مختصات مرجع خاص تطبیق یابد	14
۳۸۱	نمایه‌سازی تصویر	image indexing	[مهندسی نقشه برداری]	روشی برای بازیابی یک تصویر از یک مجموعه تصاویر	12
۳۸۲	شدت‌افزای تصویر	image intensifier, light amplifier	[مهندسی نقشه برداری]	هریک از افزاره‌های تقویت‌کننده شدت تصویر نوری	12
۳۸۳	درون‌یابی تصویر	image interpolation 2	[مهندسی نقشه برداری]	روشی که با آن می‌توان از تصویردانه‌های (pixels) موجود مقادیری جدید تصویردانه تولید کرد	12
۳۸۴	تفسیر تصویر	image interpretation 1	[مهندسی نقشه برداری]	مطالعه تصاویر برای شناسایی و ارزیابی اهمیت عوارض مورد نظر	10
۳۸۵	ناوردای تصویر	image invariant	[مهندسی نقشه برداری]	آن دسته از خصوصیات تصویر، مانند میزان روشنایی، که با تغییر مؤلفه‌های دوربین تغییر نمی‌کند	13
۳۸۶	بزرگ‌نمایی تصویر	image magnification	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند بزرگ کردن یا افزایش مقیاس ظاهر یک تصویر	13
۳۸۷	دستکاری تصویر	image manipulation	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تغییر یک تصویر رقمی به کمک نرم‌افزارهای ترسیم	12
۳۸۸	همتایابی تصویری	image matching	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند یافتن نقاط شیئی همتا یا مشترک در دو یا چند تصویر	13
۳۸۹	ریخت‌دهی تصویر	image morphing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی ویژه که در طی آن شکل یک تصویر با تغییرات تدریجی و پیوسته به تصویر دیگری بدل می‌شود	13
۳۹۰	پاره‌چین تصویری	image mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری بزرگ که از جورچینی تصاویر کوچک‌تر ساخته می‌شود	13
۳۹۱	کشیدگی تصویر	image motion	[مهندسی نقشه برداری]	تار شدن تصویر بر اثر حرکت نسبی دوربین و شیء	10
۳۹۲	ضرب تصویری	image multiplication	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات پردازش تصویر که در آن تصویری تولید می‌شود که تصویردانه‌های (pixels) آن از ضرب مقادیر تصویردانه‌های همتا در دو تصویر دیگر تولید شده باشد	13
۳۹۳	نوفه تصویر	image noise	[مهندسی نقشه برداری]	تغییرات تصادفی روشنایی یا اطلاعات مربوط به رنگ که در شیء تصویر شده وجود نداشته باشد	13
۳۹۴	بهنجارش تصویر	image normalization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تغییر دامنه مقادیر شدت روشنایی تصویردانه‌ها (pixels)	13
۳۹۵	برهم‌گذاری تصویر	image overlay	[مهندسی نقشه برداری]	قرار دادن یک تصویر نورگذر یا شفاف بر یک تصویر زمینه	12
۳۹۶	جفت‌تصویر ۱	image pair	[مهندسی نقشه برداری]	دو تصویر همپوشان که برای برجسته‌بینی یا اندازه‌گیری سه‌بعدی برداشته شده باشند	13
۳۹۷	نقطه تصویر	image point	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر نقطه‌ای معین از یک شیء	10

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۹۸	پردازش تصویر	image processing	[مهندسی نقشه برداری]	مجموع عملیاتی که می توان بر روی عکس یا تصویر انجام داد	10
۳۹۹	هرم تصویر	image pyramid	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی باز نمود داده های چند مقیاسی که در آن یک تصویر به دفعات تحت هموار سازی و زیر نمونه برداری قرار گیرد	13
۴۰۰	چندی سازی تصویر	image quantization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در آن به هر درجه خاکستری از یک تصویر بر مبنای جدول معینی از درجات خاکستری مقداری نسبت داده می شود	12
۴۰۱	پُرس مان تصویری	image querying	[مهندسی نقشه برداری]	پرس و جو برای یافتن اشیای مرتبط در پایگاه داده تصویری	13
۴۰۲	نسبت گیری تصویر	image ratioing, image division	[مهندسی نقشه برداری]	روشی در فنون پردازش تصویر برای افزایش تباین میان عوارض تصویر که در آن مقادیر عناصر در یک تصویر بر مقادیر متناظر آن در تصویر دوم تقسیم می شود	13
۴۰۳	پرتو تصویر	image ray, perspective ray	[مهندسی نقشه برداری]	خط مستقیمی که نقطه ای در فضای شیء یا فضای تصویر را به مرکز تصویر وصل می کند	10
۴۰۴	باز شناسی تصویر	image recognition	[مهندسی نقشه برداری]	شناسایی عوارض یا اشیای موجود در یک تصویر	12
۴۰۵	باز سازی تصویر	image reconstruction	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ترمیم تصویر از طریق احیای داده های از دست رفته یا مبهم	12
۴۰۶	ترمیم تصویر	image rectification	[مهندسی نقشه برداری]	تولید تصویر از تصویری کج یا مایل با رفع کجی آن	12
۴۰۷		image rendering → image-based rendering	[مهندسی نقشه برداری]		13
۴۰۸	باز نمایی تصویر	image representation	[مهندسی نقشه برداری]	برنامه ای پردازشی که با سبک سازی داده های تصویر در قالب های مناسب، رایانش توصیف گرهای تصویر را به طور قابل ملاحظه ای بهبود می بخشد	12
۴۰۹	باز تولید تصویر	image reproduction, image duplicate	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تولید نسخه ای همسان از یک تصویر	12
۴۱۰	باز نمونه برداری تصویر	image resampling	[مهندسی نقشه برداری]	محاسبه مقادیر خاکستری جدید برای تصویر دانه هایی (pixels) که در مرحله تصحیح هندسی یک تصویر رقمی بر پایه مقادیر موجود در نقاط پیرامونی آن تصویر دانه ها تولید شده اند	12
۴۱۱	چرخش تصویر	image rotation	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی تبدیل تصویری دوبعدی یا سه بعدی که تصویر را به گرد یک نقطه مرکزی بر اساس یک نظم دایره ای ویژه می چرخاند یا جابه جا می کند	13
۴۱۲	نمونه برداری تصویر	image sampling	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند اندازه گیری روشنی یا شدت نور یک تصویر قیاسی پیوسته و تبدیل آن به آرایه ای از نقاط رقمی گسسته	12
۴۱۳	مقیاس تصویر	image scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت میان یک فاصله در تصویر و فاصله واقعی بر روی زمین	12
۴۱۴	بخش بندی تصویر	image segmentation	[مهندسی نقشه برداری]	تجزیه صحنه های تصویر به مناطقی بامعنا	5
۴۱۵	واضح سازی تصویر	image sharpening	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی ناحیه مبنا که جزئیات تصویر را برجسته می کند	12
۴۱۶	اندازه تصویر	image size	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه طول و عرض تصویر	13
۴۱۷	هموار سازی تصویر	image smoothing	[مهندسی نقشه برداری]	جانشین کردن چگالی و/ یا رنگ هر نقطه تصویر با ترکیبی خطی از ویژگی هایی مشابه با ویژگی های نقاط همسایه	12
۴۱۸	فضای تصویر	image space	[مهندسی نقشه برداری]	۱. فضایی دوبعدی که بر اساس تعداد ستون ها و سطرها در یک مجموعه داده شطرنجی مشخص می شود. ۲. آن بخش از فضا که در آن، پرتو نور تحت تأثیر سامانه نوری قرار می گیرد	10
۴۱۹	پایدار سازی تصویر	image stabilization	[مهندسی نقشه برداری]	کاهش تاری ناشی از حرکت دوربین در هنگام نوردهی با استفاده از مجموعه ای از فنون و روش ها	13

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۲۰	ذخیره‌سازی تصویر	image storage	[مهندسی نقشه‌برداری]	ذخیره کردن تصاویر یا اطلاعات به‌دست‌آمده از تصویربرداری با استفاده از فناوری خاصی	13
۴۲۱	نواری‌شدگی تصویر	image striping	[مهندسی نقشه‌برداری]	کاستی‌ای که در پوششگر خطی و افزاره‌های تصویرسازی رانشی بر اثر پاسخ ناهمسان یک آشکارساز منفرد یا آشکارسازی در میان مجموعه‌ای از آشکارسازها پدید می‌آید	12
۴۲۲	پهنای باریکه تصویربرداری	image swath width/ image swathe width	[مهندسی نقشه‌برداری]	← باریکه تصویربرداری	12
۴۲۳	باریکه تصویربرداری	image swath/ image swathe	[مهندسی نقشه‌برداری]	منطقه یا ناحیه‌ای که در یک بازه زمانی با یک فرستنده پرتوهی یا با آشکارسازی که بر هواپیما یا ماهواره نصب شده است مشاهده می‌شود مت. پهنای باریکه تصویربرداری image swath width	12
۴۲۴		image swathe → image swath	[مهندسی نقشه‌برداری]		12
۴۲۵	آستانه‌گذاری تصویر	image thresholding	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی برای بخش‌بندی (segmentation) تصویر که در آن برای درجات خاکستری تصویر آستانه‌هایی تعیین می‌کنند	12
۴۲۶	انتقال تصویر	image transfer	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند جابه‌جا کردن تصویر از یک مکان به مکان دیگر	13
۴۲۷	تبدیل تصویر	image transformation	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملی که در طی آن تصویر درون‌داد به تصویر دیگری در بیرون‌داد بدل می‌شود	12
۴۲۸	تاب‌دهی تصویر	image warping	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند دستکاری رقمی تصویر به‌طوری که شکل‌های موجود در تصویر به‌طرز چشمگیری تغییر کند	12
۴۲۹	نونمایی تصویر مینا	image-based rendering, image rendering	[مهندسی نقشه‌برداری]	تولید تصویری تازه از یک صحنه با استفاده از تصاویری که پیش‌تر از آن صحنه گرفته شده است	13
۴۳۰	جبران کشیدگی تصویر	image-motion compensation, IMC, forward-motion compensation, FMC	[مهندسی نقشه‌برداری]	بی‌حرکت نگه‌داشتن تصویر در صفحه کانونی دوربین در ضمن حرکت نسبی دوربین و شیء، برای جلوگیری از تارشدگی تصویر	10
۴۳۱	تصویرسازی	imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند ساخت تصویر	2
۴۳۲	هندسه تصویربرداری	imaging geometry	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقادیری هندسی که کمیت‌های بعدی تصویر مانند اندازه و مرکز را تعیین می‌کنند	13
۴۳۳	رادار تصویربرداری	imaging radar	[علوم نظامی، مهندسی نقشه‌برداری]	راداری که با پردازش پژواک‌های بازگشتی به آنتن، تصویر سطح زمین یا دریا را می‌سازد	13
۴۳۴		IMC → image- motion compensation	[مهندسی نقشه‌برداری]		10
۴۳۵	نقشه راهنما	index map, key map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که نشان می‌دهد مجموعه اطلاعات مرتبط با هم مانند نقشه‌های مختلف و عکس‌های هوایی و داده‌های آماری و اطلاعات توصیفی زمین در کجا یافت می‌شود	8
۴۳۶	نشانگر ۱	index mark, measuring mark, half mark, measuring point, index point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای واقعی بر روی صحنه عکسی یا در فضای شیئی آن که به‌عنوان نقطه مرجع برای اندازه‌گیری به‌صورت تکی در بعضی وسایل یا به‌صورت جفت در تشکیل نقطه شناور به کار می‌رود	5
۴۳۷		index point → index mark	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۴۳۸	ترازیابی غیرمستقیم	indirect levelling	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با استفاده از هر روشی غیر از روش ترازیبی مستقیم	7
۴۳۹	موقعیت‌یابی درونی	indoor positioning	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین موقعیت اشیا یا افراد در داخل ساختمان	15
۴۴۰	تصویرسنجی صنعتی	industrial photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری دقیق و ارزیابی قطعات و سازه‌ها می‌پردازد	4
۴۴۱	نقشه‌برداری صنعتی	industrial surveying	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از بخش‌های محدود زمین است	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۴۲	تصویر فروسرخ	infrared imagery, IR imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویر حاصل از پویسگری که بخشی از طیف کاهنربایی (electromagnetic) را ثبت می‌کند که بین انتهای سرخ طیف مرئی و تابش ریزموج قرار دارد	12
۴۴۳	توجیه درونی	inner orientation, interior orientation	[مهندسی نقشه‌برداری]	بازیابی دقیق فاصله کانونی و مختصات نقطه اصلی دوربین و مقادیر تابیدگی‌های شعاعی و مماسی عدسی	7
۴۴۴	عدد صحیح ابهام	integer ambiguity	[مهندسی نقشه‌برداری]	← ابهام	7
۴۴۵		interior angle → internal angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۴۴۶		interior orientation → inner orientation	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۴۴۷		intermediate-scale map → medium-scale map	[مهندسی نقشه‌برداری]		8
۴۴۸	زاویه داخلی	internal angle, interior angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه بین اضلاع مجاور در درون یک شکل بسته	9
۴۴۹		interocular distance → eye base	[مهندسی نقشه‌برداری]		10
۴۵۰		interpupillary distance → eye base	[مهندسی نقشه‌برداری]		10
۴۵۱		IR imagery → infrared imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]		12
۴۵۲	پاره‌بندی نامنظم	irregular tessellation	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی پاره‌بندی که در آن هیچ محدودیتی در ترتیب قرار گرفتن چندضلعی‌های متصل به رئوس وجود ندارد	15
۴۵۳		isarithmic map → isoplethic map	[مهندسی نقشه‌برداری]		8
۴۵۴		isarithmic mapping → isoplethic mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]		8
۴۵۵	نقشه هم‌انحراف	isogonic map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در امتداد خطوط آن انحراف مغناطیسی در یک تاریخ مشخص ثابت است	8
۴۵۶		isopleth mapping → isoplethic mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]		8
۴۵۷	نقشه هم‌مقدار	isoplethic map, isarithmic map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن نقاط هم‌کمیت به هم وصل شده‌اند	8
۴۵۸	نقشه‌سازی هم‌مقدار	isoplethic mapping, isopleth mapping, isarithmic mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]	تهیه نقشه‌ای که در آن یک کمیت با مقادیر هم‌ارز در نقشه نشان داده می‌شود	8
۴۵۹	تصویر هم‌دما	isotherm image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که در آن خطوط تراز، مناطقی با دمای مساوی را به یکدیگر وصل می‌کند	13
۴۶۰	برداشت قضایی	judicial survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که به حکم دادگاه برای رفع اختلاف ملکی انجام می‌شود	7
۴۶۱		junction closure → junction misclosure	[مهندسی نقشه‌برداری]		12
۴۶۲	خطای بست پیوندگاه	junction misclosure, junction closure	[مهندسی نقشه‌برداری]	اختلاف در تعیین موقعیت یا ارتفاع یک پیوندگاه در دو نوبت نقشه‌برداری متوالی	12
۴۶۳		key map → index map	[مهندسی نقشه‌برداری]		8
۴۶۴	سامانه اطلاعات زمین	land information system	[مهندسی نقشه‌برداری]	سامانه‌ای اطلاعاتی برای ذخیره‌سازی و به‌کارگیری و بازیابی اطلاعات مربوط به نقشه‌برداری ثبتی و کاربری زمین	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				اخت. ساز ۲ LIS	
۴۶۵	نقشه برداری زمینی	land surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی قسمتی از زمین است	4
۴۶۶	نقشه طبقه بندی زمین	land-classification map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که در آن انواع خاک و سنگ با سایه یا رنگ خاص نشان داده می‌شود	8
۴۶۷	نشانگر مکانی	landmark	[مهندسی نقشه برداری]	موقعیت یک شیء برجسته و بارز یا شناخته شده در چشم اندازی مشخص مت. نشانگر	15
۴۶۸	شناسایی نشانگر	landmark identification	[مهندسی نقشه برداری]	شناسایی مکان‌ها یا عارضه‌های جغرافیایی که می‌توان آنها را به عنوان شاخص به کار برد	15
۴۶۹	برداشت بزرگ مقیاس	large scale survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت آب‌نگاشتی در مقیاس بزرگ	7
۴۷۰	نقشه بزرگ مقیاس	large-scale map	[مهندسی نقشه برداری]	عموماً، نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ تا ۱:۵۰۰ تهیه شده باشد	8
۴۷۱		lateral overlap → sidelap	[مهندسی نقشه برداری]		14
۴۷۲	مقیاس عرضی	latitude scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس ترسیمی که در آن کناره‌های شرقی و غربی نقشه برحسب درجه و دقیقه تقسیم بندی می‌شود	8
۴۷۳	تراز ۲	level 1, spirit level	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای ساده برای مشخص کردن امتداد افقی در یک نقطه	2
۴۷۴	ترازیاب	level 2	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای برای تعیین اختلاف ارتفاع، شامل دوربینی که می‌تواند به کمک تراز در حالت افقی قرار گیرد و در حول محور قائم بچرخد	2
۴۷۵	سطح تراز	level surface 1	[مهندسی نقشه برداری]	سطحی که در هر نقطه بر امتداد گرانی عمود باشد	2
۴۷۶	تراز کردن ۲	levelling 1	[مهندسی نقشه برداری]	عمل قرار دادن یک امتداد، صفحه یا مدل تصویرسنجی در وضعیت افقی	2
۴۷۷	ترازیابی	levelling 2	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی برای تعیین فاصله‌های عمودی نسبت به یک سطح مبنا یا تعیین اختلاف ارتفاع	2
۴۷۸		levelling error of closure → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۴۷۹	خطای بست ترازیابی	levelling misclosure, error of closure, error of closure in levelling, levelling error of closure, misclosure in levelling	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان دو اندازه گیری از یک نشانه ارتفاعی که از نقشه برداری‌های مختلف یا در امتداد مسیرهای مختلف یا با اندازه گیری‌های مستقل به دست آمده باشد	12
۴۸۰		levelling of high precision → precise levelling	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۸۱		light amplifier → image intensifier	[مهندسی نقشه برداری]		12
۴۸۲		line feature → linear feature	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۸۳	نقشه خطی	line map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که در آن برای نمایش عوارض از خطوط استفاده می‌شود	5
۴۸۴	خط دید	line of sight, LOS	[علوم جو، مهندسی نقشه برداری، نجوم رصدی و آشکارسازها]	[علوم جو، نجوم رصدی و آشکارسازها] خطی فرضی بین نشانه واقع بر تارک عدسی و نقطه گرهی عقبی عدسی شیئی دوربین	7
۴۸۵	ساده سازی خط	line simplification	[مهندسی نقشه برداری]	کاستن از نقاط تشکیل دهنده خط با حفظ شکل اساسی آن	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۸۶	برداشت امتدادی	lineal survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که در یک امتداد مشخص انجام می شود	7
۴۸۷	عارضه خطی	linear feature, line feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه ای مکانی که به صورت یک خط یا مجموعه ای از خطوط نمایش داده می شود	7
۴۸۸	خطای بست خطی	linear misclosure	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله بین نقطه شروع و نقطه پایان یک پیمایش بسته	12
۴۸۹	عملیات خط در چند ضلعی	line-in-polygon operation	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در آن مشخص می شود که چه مقدار از خطوط یک مجموعه داده در داخل چند ضلعی های یک مجموعه داده دیگر قرار دارند	5
۴۹۰	ساز ۲	LIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات زمین	4
۴۹۱	افق محلی	local horizon	[مهندسی نقشه برداری]	← افق ظاهری	9
۴۹۲	خدمات مکان مینا	location based services	[رایانه و فناوری اطلاعات، مهندسی نقشه برداری]	نوعی خدمات در شبکه های بی سیم و همراه بر پایه موقعیت جغرافیایی که با در نظر گرفتن مکان کاربر به او ارائه می شود	5
۴۹۳	برهم گذاری مکان مینا	location-specific overlay	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقدار به صورت تابعی از انطباق نقطه به نقطه نقشه های موجود	15
۴۹۴	مقیاس لگاریتمی	logarithmic scale	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی که بر اساس لگاریتم اعداد هم فاصله پیاپی مدرج شده باشد	8
۴۹۵	هم پوشانی طولی	longitudinal overlap, forward overlap	[مهندسی نقشه برداری]	درصد هم پوشانی بین تصاویر پیاپی در جهت خط پرواز	14
۴۹۶	پیمایش بسته	loop traverse, closed traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که از یک ایستگاه شروع و به همان ایستگاه یا ایستگاه هایی که موقعیت نسبی آنها در دیگر نقشه برداری ها تعیین شده است ختم می شود	5
۴۹۷	عکس کمی مایل	low-oblique photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکسی که انحراف مرکز آن در جهت طولی و عرضی نسبت به نقطه پاسو حداکثر ۱۰ درجه باشد	4
۴۹۸	روز قمری	lunar day	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	← روز کسندی	8
۴۹۹	ماه کسند	lunar tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	جزئی از کسند که فقط بر اثر گرانش ماه ایجاد می شود	8
۵۰۰	مخزن ۱	magazine	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از دوربین هوایی که فیلم را نگه می دارد و سازوکاری برای حرکت روبه جلوی فیلم دارد	5
۵۰۱	سمت مغناطیسی	magnetic azimuth	[ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	[ژئوفیزیک] سمت نسبت به شمال مغناطیسی [مهندسی نقشه برداری] زاویه میان صفحه قائم گذرنده از شیء مشاهده شده و صفحه قائم گذرنده از عقربه مغناطیسی آزاد معلق	8
۵۰۲	سویه مغناطیسی	magnetic bearing	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه ای که نسبت به شمال و جنوب مغناطیسی سنجیده می شود و با قید شرقی یا غربی نسبت به نصف النهار بیان می شود	7
۵۰۳		magnetic chart → magnetic map	[مهندسی نقشه برداری]		8
۵۰۴	نقشه مغناطیسی	magnetic map, magnetic chart	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه خاص منظوره که پراکندگی یکی از عناصر مغناطیسی را سده به سده نشان می دهد	8
۵۰۵	برداشت مغناطیسی	magnetic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای تعیین شدت و جهت میدان مغناطیسی زمین در نقاط مشخصی از سطح زمین انجام می شود	7
۵۰۶	عارضه مصنوعی	man-made feature, culture 1, cultural	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه ای بر روی زمین که به دست انسان ساخته شده است	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		feature			
۵۰۷	نقشه پیش‌نگاشت	manuscript map	[مهندسی نقشه‌برداری]	طرح اولیه نقشه که از منابع مختلف مانند برداشت زمینی یا عکس هوایی تألیف و تهیه می‌شود	8
۵۰۸	نقشه ۲	map 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	نمایشی قراردادی از عوارض فیزیکی طبیعی یا مصنوعی سطح زمین معمولاً بر روی سطح مسطح با مقیاس و سمت مشخص	2
۵۰۹	سرشکنی نقشه	map adjustment	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر تغییر در موقعیت افقی عوارض نقشه برای منطبق کردن آن با نقاط واپایش معین یا انتقال آن به شبکه‌ای با مقیاس مشخص	8
۵۱۰	جبر نقشه	map algebra	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی مدل‌سازی با استفاده از فرایندهای جمع و تفریق و ضرب و تقسیم نقشه‌ها با بهره‌گیری از عملگرهای ریاضی برای ترکیب دو یا چند نقشه مت. مدل‌سازی نقشه‌نگاشتی cartographic modelling	7
۵۱۱	دگرشکلی نقشه	map deformation	[مهندسی نقشه‌برداری]	← واپیچش نقشه	8
۵۱۲	واپیچش نقشه	map distortion	[مهندسی نقشه‌برداری]	تغییر شکل عوارض بر روی بیضوی که بر اثر ترسیم آنها بر روی سطح دویعدی ایجاد می‌شود مت. دگرشکلی نقشه map deformation	8
۵۱۳	ویرایش نقشه	map editing, map edit	[مهندسی نقشه‌برداری]	اصلاح یا اضافه کردن یا کم کردن نمادها و داده‌ها و حروف و ارقام و بازنگری کلی در محتوا و شکل نقشه پیش از چاپ	8
۵۱۴	روی نقشه	map face	[مهندسی نقشه‌برداری]	سویی از برگ نقشه که نقشه بر روی آن چاپ شده است	8
۵۱۵	عارضه نقشه	map feature	[مهندسی نقشه‌برداری]	← عارضه نقشه‌نگاشتی	7
۵۱۶	شبکه‌بندی نقشه	map grid	[مهندسی نقشه‌برداری]	شبکه‌ای که برای فراهم کردن یک دستگاه مختصات مناسب بر روی نقشه افکنده می‌شود	8
۵۱۷	بازنگری نقشه	map revision	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند ایجاد تغییراتی در نقشه موجود برای افزایش درستی آن	5
۵۱۸	مقیاس نقشه	map scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسبت فاصله میان دو نقطه بر روی نقشه به فاصله همان دو نقطه بر روی زمین	8
۵۱۹	برگ نقشه	map sheet	[مهندسی نقشه‌برداری]	یک ورق نقشه از یک رشته نقشه (map series)	8
۵۲۰	آزمون نقشه	map test	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر شیوه‌ای که برای آزمودن یا بازبینی درستی نقشه به کار رود	8
۵۲۱	تبدیل نقشه	map transformation	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی محاسباتی برای تبدیل دستگاه مختصات یک تصویر یا نقشه به یک دستگاه مختصات دیگر	8
۵۲۲	روزآمدسازی نقشه	map updating	[مهندسی نقشه‌برداری]	تکمیل نقشه با استفاده از اطلاعات مفید و به‌روز	5
۵۲۳	نقشه‌ساز	mapper	[مهندسی نقشه‌برداری]	طراح و تهیه‌کننده نقشه	2
۵۲۴	نقشه‌سازی ۲	mapping 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند طراحی و ساخت نقشه	2
۵۲۵	دوربین نقشه‌سازی	mapping camera	[مهندسی نقشه‌برداری]	دوربینی که برای عکس‌برداری در نقشه‌سازی به کار می‌رود مت. دوربین نقشه‌برداری surveying camera	8
۵۲۶	عکس‌برداری نقشه‌سازی	mapping photography, cartographic photography	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکس‌برداری به منظور نقشه‌سازی	8
۵۲۷		mark 1 → survey marker	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۵۲۸		marker 1 → survey marker	[مهندسی نقشه‌برداری]		7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۲۹	علامت گذار	marksetter	[مهندسی نقشه برداری]	شخصی که وظیفه او نصب علامت های نقشه برداری است	10
۵۳۰	میانگین خیز کُشد	mean rise of tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	ارتفاع میانگین فرا کُشد بالای سطح مینا	8
۵۳۱		measuring mark → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۵۳۲		measuring point → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۵۳۳	تصویر سنجی پزشکی	medical photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از تصویر سنجی که به اندازه گیری و ارزیابی اندام های انسان و عوارض مربوط به آنها می پردازد	4
۵۳۴	نقشه میان مقیاس	medium-scale map, intermediate-scale map	[مهندسی نقشه برداری]	عموماً نقشه ای که در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ تا ۱:۵۰۰۰۰ تهیه شده باشد	8
۵۳۵	فاصله نصف النهاری	meridional distance	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله اندازه گیری شده در امتداد نصف النهار بر روی بیضوی	9
۵۳۶	کُشد هواشناختی	meteorological tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	تغییر سطح آب بر اثر عوامل هواشناختی مانند فشار جو و باد	8
۵۳۷	نقشه نظامی	military map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که برای اهداف نظامی تهیه می شود	8
۵۳۸	نقشه برداری معدن	mine surveying	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی از معادن است	4
۵۳۹	خطای بست سمت	misclosure in azimuth	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان دو بار اندازه گیری مقدار سمت یک خط که با روش های مختلف نقشه برداری یا در امتداد مسیرهای مختلف به دست آمده باشد	12
۵۴۰		misclosure in levelling → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۵۴۱	خطای بست دور افق	misclosure of the horizon	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف مجموع یک رشته زاویه افقی بین خط های مجاور در یک دور کامل افق، با ۳۶۰ درجه	12
۵۴۲		misclosure of traverse → error of closure of traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۵۴۳	خطای بست مثلث	misclosure of triangle	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف مجموع سه زاویه اندازه گیری شده یک مثلث با مجموع ۱۸۰ درجه و اضافه کُرویت مثلث	12
۵۴۴	موقعیت یابی پایانه محور	mobile terminal-centric, terminal-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	← موقعیت یابی کاربر محور	15
۵۴۵		mosaic 2 → photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]		4
۵۴۶	نوار پاره چین	mosaic strip	[مهندسی نقشه برداری]	نواری که شامل پاره چین عکسی است	4
۵۴۷	پاره چین سازی	mosaicking	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تولید پاره چین عکسی	4
۵۴۸		multi-look image → multi-look imagery	[مهندسی نقشه برداری]		12
۵۴۹	تصویر چندنگاهی	multi-look imagery/ multi-look image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که از برآیند چند تصویر گرفته شده در بازه های مختلف تولید می شود	12
۵۵۰	حدنگاری چندمنظوره	multipurpose	[عمومی، مهندسی]	نوعی حدنگاری که در بردارنده یک شبکه زمین سنجشی (geodetic) شامل چهار مؤلفه	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		cadastre	نقشه برداری]	است: الف) رشته‌ای از نقشه‌های روزآمد و درست و بزرگ مقیاس؛ ب) نقشه حاصل از تطبیق همه قطعات ملکی؛ ج) شناسه‌ای یگانه برای هر قطعه؛ د) مجموعه‌ای از پرونده‌های مربوط به داده‌های زمین	
۵۵۱	تصویر چندطیفی	multi-spectral imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که مؤلفه‌های آن در یک زمان در طول موج‌های طیفی مختلف گرفته می‌شود	12
۵۵۲	تصویر چندزمانی	multi-temporal imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که مؤلفه‌های آن در یک طول موج طیفی در زمان‌های مختلف گرفته می‌شود	12
۵۵۳	عدسی زاویه بسته	narrow-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن کمتر از ۶۰ درجه باشد	2
۵۵۴	نقشه بومی	native map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه یک منطقه که کشوری دیگر از طریق نهادهای دولتی یا خصوصی خود تهیه می‌کند	8
۵۵۵	عارضه طبیعی	natural feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه‌ای که ساخته دست انسان نیست	7
۵۵۶	مقیاس طبیعی	natural scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس عددی	8
۵۵۷	نقشه دریانوردی	nautical chart	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که برای نمایش نیازهای ناوبری تهیه شود	2
۵۵۸	عملیات همسایگی	neighbors operation	[مهندسی نقشه برداری]	تولید یک نقشه جدید بر پایه مقادیر همسایگی موقعیت هدف	15
۵۵۹	موقعیت یابی شبکه محور	network-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان با محور قرار دادن شبکه	15
۵۶۰	مقیاس اسمی	nominal scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس اصلی	8
۵۶۱		normal height → orthometric elevation	[مهندسی نقشه برداری]		5
۵۶۲	عدسی زاویه معمولی	normal-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بین ۶۰ تا ۷۵ درجه باشد	2
۵۶۳	مقیاس عددی	numerical scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت ابعاد خطی نقشه به ابعاد خطی واقعی بیان شده مت. مقیاس طبیعی natural scale مقیاس کسری fractional scale	8
۵۶۴	عکس مایل	oblique photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکسی که در هنگام تهیه آن، محور دوربین بیش از ۵ درجه از امتداد قائم انحراف داشته باشد	2
۵۶۵	نقشه رسمی	official map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که حریم معابر یا دیگر زمین‌های شهری را در حال و آینده نشان می‌دهد و مراجع دولتی و قضایی آن را به رسمیت می‌شناسند	8
۵۶۶		open traverse → open-end traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۵۶۷	پیمایش باز	open-end traverse, open traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که از یک نقطه معلوم شروع می‌شود، ولی به همان نقطه ختم نمی‌شود	5
۵۶۸	شاقول نوری	optical plummet	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی کوچک با خم نود درجه در ساختمان دستگاه نقشه برداری که به کمک آن کاربر می‌تواند محور اصلی دستگاه را در امتداد قائم نقطه ایستگاه قرار دهد	5
۵۶۹	فرازای مداری	orbital altitude	[مهندسی نقشه برداری]	فرازای متوسط یک ماهواره از سطح زمین	7
۵۷۰	توجیه ۳	orientation 2	[مهندسی نقشه برداری]	قرار دادن عکس یا نقشه یا مدل به صورتی که همه امتدادها با امتدادهای نظیر شیء یا موضع مورد نظر موازی باشد	7
۵۷۱	راست تصویر	orthoimage	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که از یک تصویر مرکزی متداول با ترمیم ساده یا جزء به جزء آن به دست می‌آید، به طوری که جابه‌جایی‌های ناشی از کجی سنجنده و ناهمواری زمین در آن زدوده شده باشد	13
۵۷۲	ارتفاع قائم	orthometric elevation,	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله هندسی بین زمینوار و نقطه‌ای در امتداد خط شاقولی که از آن نقطه می‌گذرد	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		orthometric height, normal height			
۵۷۳		orthometric height → orthometric elevation	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۵۷۴	پاره چین راست عکس	orthophoto mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که از کنار هم چین راست عکس ها تولید می شود	۴
۵۷۵	نقشه راست عکس	orthophotomap	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که از کنار هم قرار دادن تعدادی راست عکس به صورت تصویر مرکب واحد تهیه می شود	۴
۵۷۶	موقعیت یابی بیرونی	outdoor positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان اشیا یا افراد در محیط بیرون	۱۵
۵۷۷	توجیه بیرونی	outer orientation, exterior orientation	[مهندسی نقشه برداری]	بازیابی موقعیت و جهت دوربین در لحظه عکس برداری	۷
۵۷۸	برون نهاد	outlier 1	[مهندسی نقشه برداری]	مقداری از کمیت اتفاقی که بیرون از حد آستانه معینی قرار گیرد	۲
۵۷۹		panelling → targeting	[مهندسی نقشه برداری]		۱۰
۵۸۰	عکس سراسر نما	panoramic photograph	[مهندسی نقشه برداری]	زنجیره ای از عکس های بهم پیوسته	۲
۵۸۱	سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی	participatory GIS	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه ای متشکل از مجموعه فناوری های اطلاعات مکانی و سامانه موقعیت یابی جهانی و نرم افزار سنجش از دور و دسترسی آزاد به داده های مکانی و تصاویر مت. سام مشارکتی PGIS	۱۵
۵۸۲	مقیاس ویژه	particular scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت یک فاصله بسیار کوتاه بر روی نقشه در هر نقطه و در هر جهت به طول بیضوی که در تهیه نقشه از آن استفاده شده است مت. مقیاس نسبی relative scale	۸
۵۸۳	گذر نقطه	pass point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که موقعیت افقی یا عمودی آن با روش های تصویرسنجی تعیین شده است و برای توجیه مطلق عکس ها به کار می رود	۴
۵۸۴	شیء منفعل	passive object	[مهندسی نقشه برداری]	شیئی که فقط به محرک خارجی واکنش نشان می دهد و به تنهایی نمی تواند عملکردی را آغاز کند	۵
۵۸۵	مسیریابی	pathfinding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند محاسبه مسیر بهینه میان یک مبدأ و یک نقطه یا نقاط مقصد در یک شبکه	۱۵
۵۸۶		perspective ray → image ray	[مهندسی نقشه برداری]		۱۰
۵۸۷	رایانه ای سازی فراگیر	pervasive computing	[مهندسی نقشه برداری]	استفاده گسترده از فناوری های رایانه ای با قرار دادن ریزپردازنده ها بر روی همه اشیا	۹
۵۸۸	سام مشارکتی	PGIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی	۱۵
۵۸۹		photo → photograph	[مهندسی نقشه برداری]		۲
۵۹۰	خط مبنای عکسی	photo base, photographic base length	[مهندسی نقشه برداری]	خط مبنای هوایی، آن طور که بر روی یک عکس یا یک جفت عکس ظاهر می شود مت. طول پایه عکسی	۱۰
۵۹۱	نقطه واپایش عکسی	photo control point, photogrammetric control point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه قابل تشخیص با مختصات معلوم که برای تعیین مقیاس و توجیه مطلق عکس به کار می رود	۴
۵۹۲		photo index → photographic index map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۹۳		photo index map → photographic index map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۹۴	دوربین تصویرسنجی	photogrammetric camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای تصویرسنجی به کار می رود	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۹۵		photogrammetric control point → photo control point	[مهندسی نقشه برداری]		4
۵۹۶	نقشه تصویرسنجی	photogrammetric map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه عارضه نگاشتی که با تصویرسنجی و استفاده از عکس های هوایی و نقاط واپایش زمینی تهیه می شود مت. نقشه تصویرسنجی	8
۵۹۷	نقشه سازی تصویرسنجی	photogrammetric mapping	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه سازی که در آن منبع اصلی داده ها عکس است مت. نقشه سازی تصویرسنجی	8
۵۹۸		photogrammetric plotter → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۵۹۹		photogrammetric plotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۶۰۰	برداشت تصویرسنجی	photogrammetric survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که از طریق تصویرسنجی انجام می شود مت. برداشت تصویرسنجی	7
۶۰۱	تصویرسنج	photogrammetrist	[مهندسی نقشه برداری]	کارشناس و متخصص امور تصویرسنجی	4
۶۰۲	تصویرسنجی	photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری استخراج اطلاعات مربوط به زمین و محیط پیرامون آن از تصاویر گرفته شده یا حسگرهای دیگر از طریق اندازه گیری و پردازش و تحلیل و نمایش آنها	4
۶۰۳	عکس ۲	photograph, photo	[مهندسی نقشه برداری]	نمایشی از اشیا که بر اثر تابش امواج الکترومغناطیسی بر لایه حساسی مثل برومور نقره حاصل شود	2
۶۰۴	عکسی	photographic	[مهندسی نقشه برداری]	مربوط به عکس	2
۶۰۵		photographic base length → photo base	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۶	تصویر عکسی	photographic image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر تشکیل شده بر روی عکس	10
۶۰۷	نقشه راهنمای عکسی	photographic index map, photo index map, photo index	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه راهنمایی که سطح پوشش داده شده در هر عکس را با یک مجموعه عکس از آن منطقه نشان می دهد	8
۶۰۸		photographic mosaic → photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]		4
۶۰۹	برداشت عکسی	photographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با استفاده از عکس های هوایی یا زمینی انجام می شود	7
۶۱۰	عکس برداری	photography	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه عکس که با تابش امواج الکترومغناطیسی بر لایه حساسی مانند برومور نقره انجام می شود	2
۶۱۱	نقشه عکسی	photomap	[مهندسی نقشه برداری]	عکس هوایی یا پاره چین واپایش شده از عکس های ترمیمی که شبکه مرجع، مقیاس ها، اسامی مکان ها، اطلاعات حاشیه ای و سایر اطلاعات و علائم لازم به آن اضافه شده است	4
۶۱۲	پاره چین عکسی	photomosaic, photographic mosaic, mosaic 2	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری یکپارچه که از کنار هم چیدن عکس های یک منطقه به دست می آید	4
۶۱۳	نقشه عکس بازنگریسته	photo-revised map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه عارضه نگاشتی یا مسطحاتی که با روش های تصویرسنجی بازنگری شده است	8
۶۱۴	نقشه طبیعی	physical map 1	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن سطح زمین و کف اقیانوس ها و برجستگی ها، و نیز پدیده های طبیعی مانند جریان های اقیانوسی و باتلاق ها و کویرها نشان داده می شود	8
۶۱۵	نقشه طبیعی مصور	physiographic pictorial map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن عوارض با استفاده از نظام مند از مجموعه ای استاندارد شامل علائم و نگاره های قراردادی و براساس تصویر ساده شده آن عوارض نشان داده می شود	8

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۱۶	نگاره‌ای	pictorial	[مهندسی نقشه‌برداری]	مربوط به نگاره	2
۶۱۷	نگاره ۳	picture	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشی از یک جسم که با ترسیم یا نقاشی یا عکاسی بر یک روبه معمولاً مسطح حاصل شود	2
۶۱۸	زاویه مسطح	plane angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	شکلی که از تقاطع دو نیم‌خط پایان‌یافته در نقطه تقاطع به دست می‌آید	9
۶۱۹	تخته‌سه‌پایه	plane table/ planetable	[مهندسی نقشه‌برداری]	تخته‌رسمی که همراه با یک راستایاب برای برداشت‌های نقشه‌برداری بر یک سه‌پایه استوار می‌شود	7
۶۲۰		planetable → plane table	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۶۲۱		planetable → plane table	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۶۲۲	برداشت تخته‌سه‌پایه‌ای	planetable survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی برداشت عارضه‌نگاشتی که در آن از تخته‌سه‌پایه و راستایاب استفاده می‌شود	7
۶۲۳		plane-table survey → planetable survey	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۶۲۴	پیمایش تخته‌سه‌پایه‌ای	planetable traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن برای تعیین زوایا و راستاها از تخته‌سه‌پایه استفاده می‌شود	9
۶۲۵	نقشه پایه مسطحاتی	planimetric base map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که برای تهیه نقشه عارضه‌نگاری به کار می‌رود	4
۶۲۶	نقشه مسطحاتی	planimetric map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن تنها موقعیت مسطحاتی عوارض نمایش داده می‌شود	5
۶۲۷	تراز صفحه‌ای	plate level	[مهندسی نقشه‌برداری]	ترازی که بر روی صفحه تکیه‌گاه دستگاه نقشه‌برداری نصب می‌شود و برای تراز کردن دستگاه یا قائم قرار دادن محور آن به کار می‌رود	7
۶۲۸	نُت	POI	[مهندسی نقشه‌برداری]	← نقطه توجه	15
۶۲۹	عارضه نقطه‌ای	point feature	[مهندسی نقشه‌برداری]	عارضه‌ای که نشان‌دهنده یک موقعیت منفرد است	7
۶۳۰	نقطه توجه	point of interest	[مهندسی نقشه‌برداری]	چیزی در یک مکان که از جنبه‌ای خاص مورد توجه شخصی قرار گرفته باشد اخت. نُت POI	15
۶۳۱	عملیات نقطه‌درچندضلعی	point-in-polygon operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیات برهم‌نهی که در آن مشخص می‌شود چه نقاطی از یک مجموعه داده در داخل چندضلعی‌های مجموعه داده دیگر قرار دارد	5
۶۳۲	فاصله قطبی	polar distance, co- declination	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله زاویه‌ای از قطب آسمان که متمم زاویه میل است	9
۶۳۳	تصویر قطبش‌سنجشی	polarimetric image	[مهندسی نقشه‌برداری]	بازنمود مبتنی بر اندازه‌گیری قطبش امواج رادیویی یا نوری	13
۶۳۴	میله نقشه‌برداری	pole 2, ranging pole	[مهندسی نقشه‌برداری]	میله‌ای ساده، معمولاً به طول دو متر، که از آن برای تعیین امتداد استفاده می‌کنند مت. میل ۲	2
۶۳۵	چندضلعی‌بندی	polygonization	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند انجام پیمایش مت. پیمایش ۳ traversing	10
۶۳۶	برداشت چندضلعی‌سنجشی	polygonometric survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۶۳۷		polyhedral map → polyhedric map	[مهندسی نقشه‌برداری]		8
۶۳۸	نقشه چندوجهی	polyhedric map, polyhedral map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه زمین یا یک جسم کروی بر سطح یک چندوجهی بسته	8
۶۳۹	چندخطی	polyline	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطی متشکل از چندین پاره‌خط که معمولاً از آن در نقشه‌نگاری رقمی استفاده می‌شود	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۴۰	سام همگانی	PPGIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی	15
۶۴۱	دقیق	precise	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی روش یا دستگاهی که بتواند نتایجی ارائه دهد که در صورت تکرار عمل، تغییر اندکی داشته باشد	2
۶۴۲	ترازیابی دقیق	precise levelling, levelling of high precision	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی ترازیابی که با دقت و سرشکنی مکرر و واسنجی تجهیزات انجام می شود مت. ترازیابی درجه یک first-order levelling	7
۶۴۳	پیمایش دقیق	precise traverse	[مهندسی نقشه برداری]	اصطلاحی که پیش از مه ۱۹۲۵ در برخی نهادهای نقشه برداری ایالات متحده برای رده‌ای از پیمایش‌ها به کار می‌رفت که تقریباً برابر است با رده پیمایش‌های درجه دو از طبقه II مطابق با طبقه‌بندی ۱۹۷۴	10
۶۴۴	دقت	precision	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان نزدیکی مشاهدات یک کمیت به کمیت دیگر	2
۶۴۵	برداشت مقدماتی	preliminary survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف از آن جمع‌آوری داده‌های لازم برای شناسایی طرح پیشنهادی است مت. برداشت شناسایی reconnaissance survey	7
۶۴۶		primary survey → first-order survey	[مهندسی نقشه برداری]		7
۶۴۷	خط اصلی ۲	principal line	[مهندسی نقشه برداری]	خطی که از نقطه اصلی عکس و نقطه پاسوی (nadir point) آن عبور می کند	7
۶۴۸	مقیاس اصلی	principal scale	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاس کره ساده شده‌ای برای توصیف بیضوی زمین که معادل نسبت شعاع‌های آن دو به یکدیگر است مت. مقیاس اسمی nominal scale	8
۶۴۹	مجاورت	proximity	[مهندسی نقشه برداری]	شاخصی که فاصله بین همه نقاط در پیرامون یک نقطه را مشخص می کند	15
۶۵۰	عملیات مجاورت	proximity operation	[مهندسی نقشه برداری]	← عملیات فاصله بندی	15
۶۵۱	شبه فاصله	pseudorange	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله واقعی به علاوه یا منهای مقدار اندکی فاصله جبرانی برای اصلاح خطای زمان سنجی گیرنده	7
۶۵۲	شبه فاصله یابی	pseudoranging	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری شبه فاصله	7
۶۵۳	سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی	public participation GIS	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه‌ای دارای اطلاعات مکانی و نقشه سازی در سطح محلی برای تولید دانش توسط گروه‌های محلی و غیردولتی مت. سام همگانی PPGIS	15
۶۵۴		R2V → raster to vector conversion	[مهندسی نقشه برداری]		5
۶۵۵	ضریب پس پراکندگی رادار	radar backscatter coefficient	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی کمی برای نشان دادن شدت انرژی بازگشتی از سطح زمین به سمت آنتن رادار	14
۶۵۶	پس پراکنه	radar backscatter, backscatter	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از انرژی ریزموج که سطح زمین آن را به سمت آنتن برمی گرداند مت. پس پراکنه رادار	14
۶۵۷	باریکه رادار	radar beam	[مهندسی نقشه برداری]	تپ / پالس تمرکز یافته انرژی راداری	14
۶۵۸	سویه راداری	radar bearing	[مهندسی نقشه برداری]	سویه اندازه گیری شده با رادار	9
۶۵۹	برد دور رادار	radar far range	[مهندسی نقشه برداری]	دورترین قسمت تصویر رادار از خط پرواز هواگرد یا فضاپیما	14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۶۰	کوتاه‌نمایی رادار	radar foreshortening	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوع خاصی از واپیچش تصویر که در آن شیب زمینی که به سمت تابش رادار پهلونگر است، نسبت به حالت افقی آن با طولی فشرده‌تر تصویرسازی می‌شود مت. پیش‌کوتاه‌نمایی رادار	14
۶۶۱	برد زمینی رادار	radar ground range	[مهندسی نقشه‌برداری]	در تصویر راداری، فاصله پای رادار تا شیء	14
۶۶۲	سویه رادیویی	radio bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه اندازه‌گیری شده بین امتداد ظاهری مرجع ارسال موج الکترومغناطیسی و امتداد مرجع	9
۶۶۳	خطای تصادفی	random error, accidental error	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطایی که منشأ نامشخص داشته باشد و تأثیر آن بر تک‌تک اندازه‌گیری‌ها تابع قانون خاصی نباشد	2
۶۶۴	دیدرس ۱	range of visibility	[مهندسی نقشه‌برداری]	دورترین فاصله‌ای که چشم انسان قادر به دیدن است	9
۶۶۵	آهنگ تغییر فاصله	range rate	[مهندسی نقشه‌برداری]	میزان تغییر فاصله اندازه‌گیری شده در واحد زمان	9
۶۶۶		ranging pole → pole 2	[مهندسی نقشه‌برداری]		2
۶۶۷	داده شطرنجی	raster data	[مهندسی نقشه‌برداری]	داده‌هایی با ساختار شبکه‌ای خانگی مرکب از شبکه‌های سطری و ستونی	5
۶۶۸	مدل داده شطرنجی	raster data model	[مهندسی نقشه‌برداری]	بیان انتزاعی از جهان واقع که در آن موقعیت داده‌ها به صورت خانک ارائه می‌شود	5
۶۶۹		raster image → digital image	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۶۷۰	تبدیل شطرنجی به برداری	raster to vector conversion, R2V, RtoV	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تبدیل تصویری متشکل از خانه‌های شطرنجی به تصویری با داده‌های برداری	5
۶۷۱		rasterisation → rasterization	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۶۷۲	شطرنجی‌سازی	rasterization/ rasterisation	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تبدیل داده‌های برداری به داده‌های شطرنجی	5
۶۷۳	تصویر نسبتی	ratio image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که با پردازش داده‌های رقمی چندطیفی تهیه می‌شود و در آن مقدار هر عنصر در تصویر حاصل عبارت است از تقسیم مقدار آن در یک باند بر مقدارش در باند دیگر	13
۶۷۴	سویه متقابل	reciprocal bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	سویه‌ای که ۱۸۰ درجه با یک سویه معین تفاوت دارد	9
۶۷۵	عملیات بازرده‌بندی	reclassify operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	تخصیص دوباره مقادیر به یک نقشه موجود به‌عنوان تابعی از مقدار یا موقعیت یا اندازه یا شکل یا همجواری اولیه پیکربندی‌های مکانی که با یک رده از نقشه همراه است	15
۶۷۶	نقشه شناسایی	reconnaissance map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن اطلاعات به‌دست‌آمده از برداشت شناسایی و داده‌های به‌دست‌آمده از دیگر منابع یکجا عرضه می‌شود	8
۶۷۷	برداشت شناسایی	reconnaissance survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	← برداشت مقدماتی	7
۶۷۸	بازتابگر	reflector 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	در فاصله‌یابی الکترونیکی، سطح یا ترکیبی از سطوح که پرتو رسیده را در همان جهت به فرستنده بازگرداند مت. بازتابنده	2
۶۷۹	منطقه توجه	region of interest	[مهندسی نقشه‌برداری]	زیرمجموعه‌ای انتخاب شده از نمونه‌های موجود در یک مجموعه داده که با هدف خاصی در نظر گرفته شده باشد اخت. مَت ROI	15
۶۸۰	برهم‌گذاری منطقه‌مبنا	region-wide overlay	[مهندسی نقشه‌برداری]	← برهم‌گذاری رسته‌مبنا	15

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۸۱	پاره‌بندی منظم	regular tessellation	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌بندی بسیار متقارن متشکل از چندضلعی‌های همانند منتظم	15
۶۸۲	همتابایی رابطه‌ای	relational image matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	همتابایی بر مبنای سنجش ارتباط‌های موجود میان ساختارهای تصاویر	13
۶۸۳	خطای بست نسبی	relative misclosure	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقداری که از تقسیم خطای بست پیمایش بر طول پیمایش به دست می‌آید و عموماً به صورت کسری از عدد یک بیان می‌شود	12
۶۸۴	توجیه نسبی	relative orientation	[مهندسی نقشه‌برداری]	قرار دادن یک جفت عکس هم‌پوش در موقعیت و وضعیت صحیح نسبت به یکدیگر	7
۶۸۵	مقیاس نسبی	relative scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	← مقیاس ویژه	8
۶۸۶	جابه‌جایی ارتفاعی	relief displacement	[مهندسی نقشه‌برداری]	انحراف نقطه تصویری از نقطه اصلی در هنگامی که نقطه شیئی به موازات محور اپتیکی حرکت داده می‌شود	5
۶۸۷	نقشه برجسته	relief map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که پستی‌وبلندی‌های یک ناحیه را با برآمدگی و فرورفتگی نسبی سطح نقشه منعکس می‌کند	8
۶۸۸	دور کاوی	remote sensing	[مهندسی نقشه‌برداری]	جمع‌آوری و پردازش و به کارگیری اطلاعات کمی و کیفی از جسم بدون تماس با آن از راه دور . سنجش از دور	2
۶۸۹	دور کاویده	remotely sensed	[مهندسی نقشه‌برداری]	ویژگی اطلاعاتی که به روش دور کاوی به دست آمده باشد	2
۶۹۰	عملیات باز شماره‌بندی	renumber operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیات تخصیص مقادیر جدید به رده‌های یک نقشه	15
۶۹۱		restitution → stereoplotting	[مهندسی نقشه‌برداری]		4
۶۹۲		restitutive instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]		4
۶۹۳	باز برداشت ۱	resurvey	[مهندسی نقشه‌برداری]	ردیابی خطوط آخرین برداشت در محل به نحوی که همه نقاط یافته‌شده پیشین تثبیت شوند و به‌عنوان نقاط واپایش مورد استفاده قرار گیرند	7
۶۹۴	سمت وارون	reverse azimuth, back azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]	سمتی که با یک سمت معین به اندازه ۱۸۰ درجه به علاوه میزان همگرایی نصف‌النهاری تفاوت دارد	9
۶۹۵	سویه وارون	reverse bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	سویه اندازه‌گیری‌شده با قطب‌نمای مغناطیسی که در جهت عکس سویه نقطه مورد نظر قرار دارد	9
۶۹۶	کدبندی مکانی وارون	reverse geocoding	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند یافتن یک مکان متنی مشخص مانند نشانی خیابان از روی مختصات جغرافیایی	15
۶۹۷	برداشت بازنگری	revisory survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که هدف از آن بازنگری و به‌روز کردن نقشه است	7
۶۹۸	خیز کشند	rise of tide, tidal rise	[اقیانوس‌شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله عمودی از سطح مبنای کشندی تا سطح بالاتر آب	8
۶۹۹	مَت	ROI	[مهندسی نقشه‌برداری]	← منطقه توجه	15
۷۰۰	نقشه‌برداری مسیر	route surveying	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی و پیاده‌سازی مسیر راه‌هاست	4
۷۰۱		RtoV → raster to vector conversion	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۷۰۲	برداشت روستایی	rural survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که از زمین‌های غیرمسکونی، مانند مزارع و اراضی خارج از شهر انجام می‌شود	7
۷۰۳	ژرفاسنجی ماهواره‌ای	satellite bathymetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین عمق آب نسبت به سطح تراز دریا با استفاده از ماهواره	14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۰۴		satellite photogrammetry → space photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		4
۷۰۵	نقشه برداری ماهواره‌ای	satellite surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی به کمک اطلاعات ماهواره‌ای است	4
۷۰۶	مقیاس	scale , échelle 2 (fr.)	[عمومی، مهندسی نقشه برداری]	[عمومی] رابطه میان اندازه واقعی چیزی با اندازه نقشه و نمودار آن [مهندسی نقشه برداری] نسبت یک فاصله مشخص بر روی عکس یا نقشه به فاصله متناظر آن بر روی زمین	1
۷۰۷	واری مقیاس	scale checking	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مقیاس عکس هوایی یا به عبارت دقیق‌تر تعیین ارتفاع عکس برداری از سطح دریا به نحوی که بهترین برازش (fit) را با عکس داشته باشد	9
۷۰۸	خطای مقیاس	scale error	[مهندسی نقشه برداری]	خطای نظام‌مند در فاصله نقشه برداری شده که متناسب با فاصله است	9
۷۰۹	ضریب مقیاس	scale factor	[مهندسی نقشه برداری]	عددی که اگر در فاصله به دست آمده از نقشه از طریق اندازه‌گیری یا محاسبه ضرب شود، فاصله واقعی بر روی سطح مبنای نقشه به دست می‌آید	9
۷۱۰	نشانگر مقیاس	scale indicator	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی دارای مقیاس مدرج لگاریتمی برای تعیین مقیاس طبیعی نقشه بر پایه نشانه‌های مقیاس ترسیمی یا بازه‌های عرض جغرافیایی روی نقشه	9
۷۱۱	عدد مقیاس	scale number	[مهندسی نقشه برداری]	مخرج یک مقیاس کسری	8
۷۱۲	مقیاس مدل برجسته	scale of a stereoscopic model	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت یک فاصله اندازه‌گیری شده بر روی مدل برجسته به فاصله نظیرش بر روی شیء واقعی	9
۷۱۳	مقیاس برداشت آب‌نگاشتی	scale of hydrographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی که در آن موقعیت‌های عمق‌یابی بر روی برگ نقشه آب‌نگاشتی ترسیم می‌شود	10
۷۱۴	مدار مقیاس	scale parallel	[مهندسی نقشه برداری]	مداری که مقیاس تعریف شده برای آن در سامانه تصویر (map projection) مربوط صحیح است	9
۷۱۵	مقیاس گذاری	scaling 6	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین یا تغییر مقیاس یک عکس یا نقشه	2
۷۱۶	عارضه‌نگاری سطح دریا	sea surface topography	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه برداری عوارض سطح اقیانوس در یک منطقه	5
۷۱۷	ترازیاب خودتنظیم	self-adjusting level, self-aligning level	[مهندسی نقشه برداری]	← ترازیاب خودکار	7
۷۱۸		self-aligning level → self-adjusting level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۷۱۹	تصویرسنجی نیمه‌تحلیلی	semi-analytical photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	روشی در تصویرسنجی که در آن از دستگاه‌های قیاسی ارتقایافته و مجهز به ابزارهای رایانه‌ای استفاده می‌شود	4
۷۲۰	پاره‌چین نیمه‌وآپایش شده	semi-controlled mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره‌چین عکس‌های هوایی متشکل از عکس‌هایی که به جای نقاط واپایش زمینی نسبت به یک مرجع مختصات دیگر توجیه شده‌اند	4
۷۲۱	کشند نیم‌روزانه	semidiurnal tide	[اقیانوس‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	کشندی که در آن در یک روز قمری دو فراکشند و دو فروکشند با ارتفاع تقریباً برابر رخ می‌دهد	8
۷۲۲	پاره‌بندی نیمه‌منظم	semiregular tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی پاره‌بندی که در آن از چندضلعی‌های منظم گوناگون استفاده شود	15
۷۲۳	حساسیت تراز	sensibility of spirit level, sensitivity of spirit level	[مهندسی نقشه برداری]	میزان دقت تراز که به شعاع انحنای استوانه شیشه‌ای تراز بستگی دارد	7
۷۲۴		sensitivity of spirit level → sensibility of spirit level	[مهندسی نقشه برداری]		7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۲۵	آشکارساز سنچسگر	sensor detector	[مهندسی نقشه برداری]	جزئی از سامانه سنچس از دور که تابش دریافتی را تبدیل به نشانک/ سیگنال ثبت شده می کند	14
۷۲۶	خط کرانه	shoreline	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	اثر سطح آب بر ساحل که با کشند تغییر می کند	8
۷۲۷	همپوشانی عرضی	sidelap, lateral overlap	[مهندسی نقشه برداری]	میزان پوشش مشترک در جهت عرضی بین تصاویر گرفته شده در خطوط پروازی مجاور	14
۷۲۸	عملیات اندازه بندی	size operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات تخصیص مقادیر جدید، مطابق با مساحت، به هر رده از نقشه	15
۷۲۹	نقشه نما	sketch map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه دستی ساده که بدون رعایت مقیاس و توجیه شکل، روابط اساسی مکانی را نمایش می دهد	5
۷۳۰	عملیات برش زنی	slice operation	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقادیر جدید از طریق تقسیم دامنه مقادیر نقشه به فواصل معین	15
۷۳۱	نقشه کوچک مقیاس	small-scale map	[مهندسی نقشه برداری]	عموماً نقشه ای که در مقیاس ۱ : ۵۰۰۰۰ تا ۱ : ۲۵۰۰۰۰ تهیه شده باشد	8
۷۳۲		soft copy → digital photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		4
۷۳۳		soft copy photogrammetry → digital photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		4
۷۳۴		soft copy workstation → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		4
۷۳۵		soft copy workstation → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		4
۷۳۶	خور کشند	solar tide	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو، مهندسی نقشه برداری]	جزئی از کشند که فقط بر اثر گرانش خورشید ایجاد می شود	8
۷۳۷	عمق یابی	sounding 2	[ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری عمق دریاها و دریاچه ها و رودخانه ها با وسایل مختلف	2
۷۳۸	تصویرسنجی فضایی	space photogrammetry, satellite photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از تصویرسنجی که در آن از سکوها فضای برای عکس برداری استفاده می شود	4
۷۳۹	بافت آگاهی مکانی	spatial context awareness/ spatial contextual awareness, geographical awareness	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی بافت آگاهی که در آن از اطلاعات بافتی از قبیل موقعیت مکانی و زمان در سامانه اطلاعاتی استفاده می شود	9
۷۴۰	جمع سپاری مکانی	spatial crowdsourcing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند جمع سپاری مجموعه ای از وظایف مکانی به مجموعه ای از عاملان که مستلزم سفر آنها به آن مکانها است	15
۷۴۱		spatial information system → geospatial information system	[مهندسی نقشه برداری]		4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۴۲	نقشه خاص منظوره	special-purpose map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که برای یک منظور ویژه طراحی می‌شود	8
۷۴۳	مشخصات پیمایش	specifications for a traverse, taverse specifications	[مهندسی نقشه برداری]	جزئیات ضروری مربوط به روش‌ها و معیارهای یک پیمایش نقشه برداری	9
۷۴۴	نوار طیفی	spectral band	[مهندسی نقشه برداری]	بازه‌ای طول موجی در طیف الکترومغناطیسی	14
۷۴۵	مقیاس سرعت	speed scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس ترسیمی که با استفاده از آن می‌توان آهنگ سرعت کشتی برداشت یا مسافتی را که در یک زمان مشخص طی کرده است به راحتی تعیین کرد	8
۷۴۶		spherical level → circular level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۷۴۷		spirit level → level 1	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۴۸	شاخه پیمایش	spur traverse, stub traverse	[مهندسی نقشه برداری]	هر پیمایش کوتاهی که از پیمایش اصلی جدا شود تا به نقطه یا محل خاصی برسد	9
۷۴۹	چوبه ترازبایی	staff 1	[مهندسی نقشه برداری]	میله‌ای مدرج برای اندازه‌گیری اختلاف ارتفاع و فاصله مت. چوبه ۲	2
۷۵۰		standard distance deviation → standard distance	[مهندسی نقشه برداری]		9
۷۵۱	فاصله معیار	standard distance, standard distance deviation	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه‌ای برای بیان فشردگی توزیع مکانی عوارض پیرامون مرکز میانگین آن	9
۷۵۲	برداشت معیار	standard survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت براساس ملاک‌های از پیش تعریف شده مقیاس و درستی و محتوا	7
۷۵۳	نقشه ایستا	static map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که اطلاعات مربوط به یک زمان مشخص را ارائه می‌دهد	5
۷۵۴		stereo image → stereo imagery	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۵۵		stereo image → stereoscopic image	[مهندسی نقشه برداری]		10
۷۵۶	جفت تصویر ۲	stereo imagery/ stereo image	[مهندسی نقشه برداری]	دو تصویر هم‌پوشان از یک موضوع که مشاهده آن دیدی سه بعدی را القا می‌کند	12
۷۵۷	دستگاه تبدیل	stereoplotter, stereoplotting instrument, restitutive instrument, stereoscopic plotter, stereoscopic plotting instrument, photogrammetric plotter, photo-grammetric plotting instrument	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه ترسیمی که امکان اندازه‌گیری بر روی مدل برجسته را فراهم می‌کند و با ابزار نوری یا مکانیکی یا رقمی این اندازه‌گیری‌ها را به نقشه تبدیل می‌کند	4
۷۵۸		stereoplotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۷۵۹	تبدیل ۶	stereoplotting, restitution	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات تصویرسنجی که به کمک دستگاه تبدیل بر پایه برجسته‌بینی انجام می‌شود	4
۷۶۰	برجسته‌نما	stereoscope	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای که برای برجسته‌بینی تصاویر به کار می‌رود	4
۷۶۱	تصویر برجسته‌نما	stereoscopic image, stereo image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که بیننده در هنگام مشاهده آن را سه بعدی احساس می‌کند	10
۷۶۲		stereoscopic plotter → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4

ردیف	برابرنهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۶۳		stereoscopic plotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]		4
۷۶۴	برجسته‌بینی	stereoscopic vision 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	قابلیت درک فضای سه‌بعدی و تشخیص عمق با استفاده از هندسه جفت‌تصویری	4
۷۶۵	برجسته‌نمایی	stereoscopy	[مهندسی نقشه‌برداری]	دانش و فناوری ایجاد تصویر ذهنی سه‌بعدی بر پایه عکس‌های هم‌پوش از شیء یا بهره‌گیری از قابلیت دستگاه بینایی انسان	4
۷۶۶	فاصله مستقیم	straight line distance	[مهندسی نقشه‌برداری]	از نظر ریاضی، کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه	10
۷۶۷		stride level → striding level	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۷۶۸	تراز آزاد	striding level, stride level	[مهندسی نقشه‌برداری]	ترازی که موازی با محور افقی دستگاه نقشه‌برداری بر روی آن قرار داده می‌شود و از آن برای اندازه‌گیری انحراف محور افقی نسبت به صفحه افق استفاده می‌کنند	7
۷۶۹	پاره‌چین نواری	strip mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چینی که تنها دربردارنده یک ردیف عکس است یا از کنار هم گذاشتن نوارهای پاره‌چین تولید شود	4
۷۷۰		stub traverse → spur traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۷۷۱	برداشت نیمه‌شهری	suburban survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که از اراضی واقع در خارج شهر و مناطق کم‌تراکم انجام می‌شود	7
۷۷۲		sun-centred coordinate system → helio centric coordinate system	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۷۷۳	عدسی زاویه‌بسیار باز	superwide-angle lens	[مهندسی نقشه‌برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بیش از ۱۰۰ درجه باشد	2
۷۷۴	جذبایی سطح	surface absorbance	[مهندسی نقشه‌برداری]	کسری از تابش که جذب سطح می‌شود	14
۷۷۵		surface absorbtivity → surface absorptance	[مهندسی نقشه‌برداری]		14
۷۷۶	جذبندگی سطح	surface absorptance, surface absorbtivity	[مهندسی نقشه‌برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان جذب نور توسط مواد شیمیایی مختلف در سطح	14
۷۷۷	جذب سطحی ۲	surface absorption/ surface absorbtion	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرآیندی که در طی آن ذرات موجود در سطح انرژی تابشی جذب می‌کنند	14
۷۷۸	برداشت ۱	survey 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرآیند تعیین موقعیت و وسعت و منحنی تراز یک منطقه که معمولاً برای تهیه نقشه انجام می‌شود	7
۷۷۹	طبقه برداشت	survey class	[مهندسی نقشه‌برداری]	دسته‌ای از برداشتها که در برخی معیارهای مشخص دارای اشتراکاتی باشند	7
۷۸۰	علامت برداشت	survey marker, marker 1, mark 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	نشانه‌ای که برای مشخص کردن ایستگاه برداشت در محل مورد نظر نصب می‌شود	7
۷۸۱	ناوبری برداشت	survey navigation	[مهندسی نقشه‌برداری]	ناوبری هوایی که بخشی از فرآیند برداشت هوایی است	7
۷۸۲	سامانه ناوبری برداشت	survey navigation system	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی سامانه ناوبری برای ناوبری و برداشت هوایی	7
۷۸۳		survey net → survey network	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۷۸۴	شبکه برداشت	survey network, survey net	[مهندسی نقشه‌برداری]	شبکه‌ای که رئوس آن ایستگاه‌های برداشت است	7
۷۸۵	نشانه برداشت	survey signal	[مهندسی نقشه‌برداری]	یک شیء یا عارضه طبیعی یا سازه مصنوعی با موقعیت معلوم که به‌وضوح و با سهولت قابل مشاهده باشد	7
۷۸۶	ایستگاه برداشت	survey station	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای که در آن یا از آن مشاهدات لازم برای برداشت انجام می‌شود	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۸۷	پیمایش برداشت	survey traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۷۸۸	نقشه‌برداری	surveying	[مهندسی نقشه‌برداری]	دانش و فناوری اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از موقعیت‌های نسبی نقاط و عوارض در سطح زمین یا بالا و زیر آن یا پیاده کردن این عوارض بر پایه مدارک قانونی و فنی	4
۷۸۹	دوربین نقشه‌برداری	surveying camera	[مهندسی نقشه‌برداری]	← دوربین نقشه‌سازی	8
۷۹۰	مهندسی نقشه‌برداری	surveying engineering, geomatics engineering	[مهندسی نقشه‌برداری]	دانش و فناوری اندازه‌گیری، گردآوری، پردازش، مدل‌سازی، تحلیل، ارائه و مدیریت داده‌های مکانی با هدف تولید نقشه و ایجاد سامانه‌های اطلاعات مکانی بر پایه شاخه‌های ژئودزی، نقشه‌برداری، تصویرسنجی، نقشه‌نگاری، آب‌نگاری، دورکاوی و سامانه اطلاعات مکانی	4
۷۹۱	نقشه‌بردار	surveyor	[مهندسی نقشه‌برداری]	کارشناس و متخصص نقشه‌برداری	4
۷۹۲	متر نقشه‌برداری	surveyor's tape	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوار مدرجی که در نقشه‌برداری برای اندازه‌گیری فاصله به کار می‌رود	5
۷۹۳	خطای نظام‌مند	systematic error	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطایی که علامت جبری و تا حدودی اندازه آن به مجموعه‌ای از شرایط بستگی داشته باشد	2
۷۹۴	تُن‌دیاب	tacheometer, tachymeter	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی دستگاه نقشه‌برداری برای تعیین سریع راستا و فاصله	2
۷۹۵	پیمایش تن‌دیافتی	tacheometric traverse/ tachymetric traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که با استفاده از تن‌دیاب یعنی با اندازه‌گیری هم‌زمان فاصله و ارتفاع یا بلند انجام می‌شود	9
۷۹۶	تُن‌دیابی	tacheometry, tachymetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی در نقشه‌برداری برای تعیین سریع و هم‌زمان سمت و فاصله و اختلاف ارتفاع توسط تُن‌دیاب	2
۷۹۷		tachymeter → tacheometer	[مهندسی نقشه‌برداری]		2
۷۹۸		tachymetry → tacheometry	[مهندسی نقشه‌برداری]		2
۷۹۹	شناسایی نشانه	target identification	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرآیندی که در آن نشانه‌های تصویری براساس یک قاعده تصمیم‌گیری مشخص شناسایی می‌شود مت. بازشناسی نشانه target recognition	10
۸۰۰	بازشناسی نشانه	target recognition	[مهندسی نقشه‌برداری]	← شناسایی نشانه	10
۸۰۱	نشانه‌گذاری ۱	targeting 2, panelling	[مهندسی نقشه‌برداری]	علامت‌گذاری (marking) یا برجسته‌سازی نقاط واپایش زمینی، به طوری که بر روی عکس هوایی قابل شناسایی باشد	10
۸۰۲		TDOA → time difference of arrival	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۸۰۳	دورنقشه‌نگاشتی	telecartographic	[مهندسی نقشه‌برداری]	مربوط به فناوری و تجهیزات دورنقشه‌نگاری	7
۸۰۴	دورنقشه‌نگاری	telecartography	[مهندسی نقشه‌برداری]	توزیع نماهای نقشه‌نگاشتی از طریق رابط‌های انتقال داده بی‌سیم و تجهیزات هوایی	7
۸۰۵	دوری‌سنج	telemeter	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای برای اندازه‌گیری فاصله از راه دور	4
۸۰۶	دوری‌سنجی	telemetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	اندازه‌گیری فاصله در هر مکان و ارسال داده‌ها به مکان دیگر برای استفاده یا تحلیل	4
۸۰۷	نقطه پیمایش	teraverse point	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر یک از نقاط تلاقی دو ضلع در هر پیمایش مت. نقطه عطف ۱ turning point ۱	10
۸۰۸		terminal-centric positioning → mobile terminal-centric	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۰۹	عارضه‌کاوی	terrain analysis	[علوم نظامی، مهندسی]	گردآوری اطلاعات در مورد عوارض طبیعی یا انسان‌ساخت در زمین عملیات و تحلیل و	13

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
			نقشه برداری]	ارزیابی و تفسیر آنها برای پیش بینی تأثیرشان بر عملیات نظامی	
۸۱۰	عارضه تمرین	terrain exercise	[علوم نظامی، مهندسی نقشه برداری]	تمرینی برای فائق آمدن بر مشکلات یک وضعیت نظامی مشخص بر روی زمین که در آن افراد نظامی فرضی هستند و راهکار معمولاً مکتوب است	13
۸۱۱	دوربین زمینی	terrestrial camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای عکس برداری از روی زمین طراحی شده است	8
۸۱۲	تصویرسنجی زمینی	terrestrial photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	از روش های تصویرسنجی که در آن تصویربرداری از روی زمین انجام می شود	4
۸۱۳	پاره بندی	tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	در مورد یک صفحه، مجموعه شکل هایی که صفحه را بدون هم پوشانی و بدون جافتادگی پر کند	15
۸۱۴	نقشه موضوعی	thematic map, topical map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که هدف اصلی آن نمایش اطلاعاتی علاوه بر اطلاعات مربوط به عوارض فیزیکی سطح زمین است	4
۸۱۵	نقشه ساز موضوعی	Thematic Mapper, TM	[مهندسی نقشه برداری]	نام یکی از حسگرهای ماهواره لندست (Landsat)	4
۸۱۶	زاویه یاب	theodolite	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای برای اندازه گیری زوایای افقی و قائم که اجزای اصلی آن را یک دوربین و دو دایره مدرج افقی و قائم تشکیل می دهد	2
۸۱۷	تصویر گرمایی	thermal imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر حاصل از پوششگری که تنها پرتوهای بازه فرسرخ گرمایی را ثبت می کند	12
۸۱۸	پیمایش سه بعدی	three dimensional traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن هر سه مختصات یک نقطه تعیین می شود	5
۸۱۹	حوضه کشتندی	tidal basin	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	حوضه طبیعی یا مصنوعی که تحت تأثیر فعالیت کشتندی قرار دارد	8
۸۲۰		tidal cycle → tide cycle	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		8
۸۲۱	روز کشتندی	tidal day	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	فاصله زمانی میان دو عبور متوالی ماه از یک نصف النهار مت. روز قمری lunar day	8
۸۲۲		tidal rise → rise of tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		8
۸۲۳	چرخه کشتند	tide cycle, tidal cycle	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	دوره ظهور کامل پدیده های کشتندی مانند روز کشتندی یا ماه قمری	8
۸۲۴	نیروی کشتندزا	tide-generating force, tide-producing force	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	نیروی گرانشی ایجادکننده کشتند	8
۸۲۵		tide-producing force → tide-generating force	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		8
۸۲۶	گره نقطه	tie point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که دو یا چند واحد نقشه برداری یا عکسی را به هم پیوند می دهد	4
۸۲۷	کجی	tilt 2	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه بین محور اصلی دوربین و امتداد شاقولی در هنگام عکس برداری	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۲۸	دایره کجی	tilt cycle	[مهندسی نقشه برداری]	دایره ای در یک عکس کج به مرکز نقطه هم بار (isocentre point) که قطر آن در راستای خط اصلی عکس است	5
۸۲۹	جابه جایی کجی	tilt displacement	[مهندسی نقشه برداری]	جابه جایی نقاط تصویری ناشی از کجی عکس	5
۸۳۰	کجی سنج	tilt meter	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری برای اندازه گیری و ثبت انحراف های کوچک محور مرجع یک وسیله	5
۸۳۱	کج	tilted	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی عکس یا محور دستگاه های نقشه برداری که دارای کجی هستند	5
۸۳۲	ترازیاب انحراف پذیر	tilting level	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای که، برخلاف ترازیاب یکپارچه، می توان دوربین آن را به کمک پیچی که در زیر آن قرار دارد، حول محوری افقی بر روی صفحه ترازشونده به دوران درآورد تا خط دید آن افقی شود	5
۸۳۳	اختلاف زمان رسید	time difference of arrival, TDOA	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی روش موقعیت یابی بر مبنای موقعیت یابی هذلولوی با مشاهده اختلاف زمان نشانک های دریافتی از دو ایستگاه مبنا	7
۸۳۴		TM → thematic mapper	[مهندسی نقشه برداری]		4
۸۳۵		topical map → thematic map	[مهندسی نقشه برداری]		4
۸۳۶	عارضه نقشه برداشتی	topographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه بارز یا بخش مهمی از سطح زمین که در نقشه عارضه نگاشتی نشان داده می شود	7
۸۳۷	نقشه عارضه نگاشتی	topographic map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که موقعیت مسطحاتی و ارتفاعی عوارض طبیعی و عوارض ساخت بشر را ارائه می دهد	5
۸۳۸	برداشت عارضه نگاشتی	topographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای تعیین پستی و بلندی و تعیین موقعیت عوارض طبیعی و غیرطبیعی زمین انجام می شود	7
۸۳۹	عارضه نگاری	topography	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه برداری عوارض زمین در یک منطقه	5
۸۴۰	برداشت شهرساختی	town-site survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای مشخص کردن راه ها و تقاطع های بخش یا بخش هایی از شهر انجام می شود و با استفاده از آن هر بخش به بلوک و خیابان و کوچه تقسیم می شود مت. برداشت شهرسازی	7
۸۴۱	نقشه نگاری سنتی	traditional cartography, conventional cartography	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه نگاری که با دست انجام می شود	4
۸۴۲	نقشه شدامد	traffic-circulation map, circulation map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن مسیرهای اصلی و مسیرهای جانشین برای تنظیم شدامد نشان داده می شود	8
۸۴۳	پیمایش ۲	traverse 1	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مختصات ایستگاه ها در زنجیره ای از ایستگاه های نقشه برداری	2
۸۴۴	سرشکنی پیمایش	traverse adjustment	[مهندسی نقشه برداری]	اعمال روش کمترین مربعات برای سرشکن کردن پیمایش	9
۸۴۵	زاویه پیمایش	traverse angle	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه افقی بین دو ایستگاه پیمایش مجاور	5
۸۴۶		traverse classification → classification of traverses	[مهندسی نقشه برداری]		9
۸۴۷	شبکه پیمایش	traverse network	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه ژئودزی (geodesy) که در آن ایستگاه ها با پیمایش تعیین شده اند	5
۸۴۸	تخته سه پایه پیمایش	traverse planetable	[مهندسی نقشه برداری]	تخته رسمی قابل چرخش بر روی سه پایه که در گوشه ای از آن قطب نما قرار دارد	9
۸۴۹		traverse specifications → specifications for a traverse	[مهندسی نقشه برداری]		9

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۵۰	ایستگاه پیمایش	traverse station 1	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای که دستگاه بر روی آن مستقر است و مشاهدات در آنجا انجام می‌شود	5
۸۵۱	نقطه پیمایش	traverse station 2	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای که مختصات آن را با پیمایش تعیین می‌کنند	5
۸۵۲	جدول پیمایش	traverse table	[مهندسی نقشه برداری]	جدولی که در آن فهرست طول اضلاع پیمایش در مقابل زوایا درج شده است	9
۸۵۳	پیمایش ۳	traversing	[مهندسی نقشه برداری]	← چندضلعی بندی	10
۸۵۴	سه‌زاویه بندی	triangulation 1	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مثلث بندی که در آن موقعیت نقاط را با اندازه گیری زوایای مثلث‌های تشکیل شده بین نقاط تعیین می‌کنند	5
۸۵۵	مثلث بندی	triangulation 2	[مهندسی نقشه برداری]	روشی در نقشه برداری که در آن برای تعیین مختصات مجموعه‌ای از نقاط از مثلث‌های تشکیل شده بین آنها استفاده می‌کنند	5
۸۵۶		triangulation net → triangulation network	[مهندسی نقشه برداری]		5
۸۵۷	شبکه مثلث بندی	triangulation network, triangulation net	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه‌ای که در آن ایستگاه‌های نقشه برداری از رؤوس مثلث بندی و اضلاع از فاصله‌ها یا امتدادهای سرشکن شده تشکیل شده‌اند	5
۸۵۸		trig levelling → trigonometric levelling	[مهندسی نقشه برداری]		7
۸۵۹		trig traverse → trigonometric traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۸۶۰	ترازیابی مثلثاتی	trigonometric levelling, trig levelling	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با اندازه گیری زوایای قائم بین نقاط مت. ارتفاع یابی مثلثاتی trigonometric heighting زاویه یابی قائم vertical angulation	7
۸۶۱	پیمایش مثلثاتی	trigonometric traverse, trig traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن طول پهلوها مستقیم اندازه گیری نمی‌شود، بلکه به کمک روابط مثلثاتی، براساس زوایای اندازه گیری شده، محاسبه می‌شود	5
۸۶۲	سه‌پهلوی بندی	trilateration	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مثلث بندی که در آن موقعیت نقاط را با اندازه گیری سه‌پهلوی مثلث‌های تشکیل شده بین نقاط تعیین می‌کنند	5
۸۶۳	شبکه سه‌پهلوی بندی	trilateration network	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی شبکه نقشه برداری که در آن نقاط نقشه برداری با روش سه‌پهلوی بندی تعیین موقعیت شده‌اند	5
۸۶۴	سمت حقیقی	true azimuth	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه‌ای که در صفحه افقی نسبت به صفحه قائم گذرنده از قطب سماوی و صفحه قائم گذرنده از شیء مشاهده شده اندازه گیری شود مت. سمت نجومی astronomical azimuth	9
۸۶۵	سویه حقیقی	true bearing	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه افقی بین خط نصف النهار و یک خط بر روی زمین	9
۸۶۶	افق حقیقی	true horizon, geometric horizon/ geometrical horizon	[مهندسی نقشه برداری]	در تصویرسنجی، صفحه‌ای افقی که از نقطه دید یا مرکز تصویر (centre perspective) می‌گذرد	9
۸۶۷	نقطه عطف ۱	turning point 1	[مهندسی نقشه برداری]	← نقطه پیمایش	10
۸۶۸		UBGI → ubiquitous geographical information	[مهندسی نقشه برداری]		9
۸۶۹	نقشه نگاری همه جاگاه	ubiquitous cartography	[مهندسی نقشه برداری]	امکانی برای کاربران در ایجاد نقشه‌ها و استفاده از آنها در هر مکان و در هر زمان برای مکان‌یابی و راهیابی و انتخاب مسیر	9
۸۷۰	اطلاعات مکانی همه جاگاه	ubiquitous geographical information, UBGI	[مهندسی نقشه برداری]	اطلاعات مکانی که با تجهیزات مخابراتی به کاربران یا سامانه‌ها در هر زمان و در هر مکان ارائه می‌شود	9

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۷۱	پاره‌چین واپایش نشده	uncontrolled mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چین عکس‌های هوایی که در آن عکس‌ها یا از نظر توجیه یا از نظر مقیاس نسبت به نقاط واپایش زمینی تعدیل و تنظیم نشده‌اند	4
۸۷۲	نقشه‌برداری زیرزمینی	underground surveying	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی عوارض درون یا زیر زمین است	4
۸۷۳		universal level → circular level	[مهندسی نقشه‌برداری]		7
۸۷۴	نقشه شهری	urban map, city map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه یک شهر یا منطقه شهری	8
۸۷۵	برداشت شهری	urban survey, city survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشت مربوط به یک شهر و حومه آن	7
۸۷۶	موقعیت‌یابی کاربرمحور	user-centric positioning	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین مکان با محور قرار دادن پایانه کاربر مت. موقعیت‌یابی پایانه‌محور	15
۸۷۷		V2R → vector to raster conversion	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۸۷۸	داده برداری	vector data	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی انتزاع از جهان واقعی که در آن موقعیت داده به شکل مختصات بیان می‌شود و واحدهای پایه در آن عبارت‌اند از نقطه و خط و چندضلعی	5
۸۷۹	مدل داده برداری	vector data model	[مهندسی نقشه‌برداری]	بیان انتزاعی از جهان واقع که در آن موقعیت داده‌ها با مختصات آنها ارائه می‌شود	5
۸۸۰	تبدیل برداری به شطرنجی	vector to raster conversion, V2R, VtoR	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایندی که در آن داده‌های برداری شامل نقاط و خطوط و چندضلعی‌ها به داده‌های شطرنجی یعنی خانه‌های کوچک با مقادیر گسسته تبدیل می‌شوند	5
۸۸۱	بردارسازی	vectorisation/ vectorization	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تبدیل داده‌های شطرنجی به داده‌های برداری	5
۸۸۲		vectorization → vectorisation	[مهندسی نقشه‌برداری]		5
۸۸۳	مقیاس توصیفی	verbal map scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسبت یک فاصله کوتاه بر روی نقشه به همان فاصله بر روی بیضوی زمین که با یک جمله بیان می‌شود	8
۸۸۴	زاویه‌یابی قائم	vertical angulation	[مهندسی نقشه‌برداری]	← تراز یابی مثلثاتی	7
۸۸۵	دایره مدرج قائم	vertical circle	[مهندسی نقشه‌برداری]	دایره مدرجی که برای اندازه‌گیری زاویه قائم در بعضی از دستگاه‌های نقشه‌برداری نظیر زاویه‌یاب، عمود بر محور افقی دستگاه قرار دارد	7
۸۸۶	شبکه واپایش ارتفاعی	vertical control network	[مهندسی نقشه‌برداری]	مجموعه‌ای از نقاط با مختصات ارتفاعی معلوم که برای واپایش عملیات نقشه‌برداری به کار می‌رود	4
۸۸۷	نقطه واپایش ارتفاعی	vertical control point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای با مختصات ارتفاعی معلوم که برای کنترل عملیات به کار می‌رود	4
۸۸۸	گذرنقطه ارتفاعی	vertical pass point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک عکس‌ها که ارتفاع آن معلوم می‌شود	4
۸۸۹	عکس قائم	vertical photograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکسی که در هنگام تهیه آن، محور دوربین بیش از ۳ تا ۵ درجه از امتداد قائم انحراف نداشته باشد	2
۸۹۰		VGI → volunteered geographic information	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۹۱	نقشه دید	visibility map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که نواحی فاقد امکان دید مستقیم را مشخص می‌کند	4
۸۹۲	افق مرئی	visible horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	← افق ظاهری	9
۸۹۳	اطلاعات مکانی مردم‌گستر	volunteered geographic information/	[مهندسی نقشه‌برداری]	محتوای مکانی تولیدشده توسط کاربر در وبگاه‌های گوناگون برای برآوردن نیازهای بخش‌های صنعتی و دولتی و شبکه‌های اجتماعی	15

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		volunteer geographical information, VGI, volunteered geospatial information			
۸۹۴		volunteered geospatial information/ volunteer geospatial information → volunteered geographic	[مهندسی نقشه برداری]		15
۸۹۵		VtoR → vector to raster conversion	[مهندسی نقشه برداری]		5
۸۹۶	رهیابی	wayfinding	[مهندسی نقشه برداری]	یافتن همه راه‌هایی که مردم از طریق آنها از مکانی به مکان دیگر می‌روند	15
۸۹۷	عدسی زاویه باز	wide-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بین ۷۵ تا ۱۰۰ درجه باشد	2
۸۹۸	گوشه شاهد	witness corner	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای علامت‌گذاری شده بر روی زمین سفت با فاصله و راستای اندازه‌گیری شده از گوشه‌ای که خود آن را نمی‌توان به‌طور دائم علامت‌گذاری کرد	10